

نکرده‌است

در دلیل تراجم افراد زیر مؤلف تصریح نموده‌است که با ایشان ملاقات کرده‌است و بدینجهت مطالبی که درباره آنها در این کتاب آورده‌است بیشتر مورد اعتماد و اعتبار می‌باشد

ضیاءالدین حامحی و بهاءالدین حامحی و صدرالدین نیشابوری و مهذب‌الدین اسراری و محمدالدین شرف‌الکتاب و شرف‌الدین سعی و قاسم‌الدین عمرو و نظام‌الدین عمرو و شمس‌الدین داعی سعی و صدرالدین حرما بادی و محمدابن مؤید بعدادی و فریدالدین حاکرمی و محمدبن بدیع سوی و فخرالدین خطاط‌هروی و بدرالدین هروی و سرف‌الدین راهی و ابوعلی مروزی و منجم‌سحری و مزارک‌شاه سجزی و قوامی خوافی و سعدالدین مسعود دولتیار و شرفی سمرقندی و شهابی عراقی خجندی .

مؤلف گاهی در این کتاب حکایات متدل نقل کرده‌است چنانکه در دلیل حکیم ابررقی هروی و روحی و لوالحی آورده‌است
همچنین از بعضی شعرا طبق ذوق آن دوره اشعار خیلی متدل آورده‌است مثلاً
رحوع تنود به تسمی بحاری

لناب‌الناب در احوال شعرا اغلب معلومات را بهم نمی‌رساند و مخصوصاً سال ولادت و وفات افراد مدکور را که خیلی مهم است غالباً از روی چهل یا غفلت ذکر کرده‌است. همچنین از اکثر شعرا اشعار خوب انتخاب نموده‌است بلکه اغلب اشعار حسن را آنها نقل کرده‌است و بنابراین از روی این منتخبات نمیتوان سبک و اسلوب و پایه اکثر شعرا بی‌برد

اکثر اشعاریکه مؤلف از شعرا انتخاب نموده‌است غیر جالب و قابل‌اندازه‌ای نامطموع است و در انتخاب اشعار مؤلف تنها باین امر توجه داشته‌است که اشعار منتخب دارای ترکیبات و قوافی و ردایب مشکلو غیر معروف باشند و بس، چنانکه مثالهای زیر به تموت میرساند .

قصیده و طواط ناردیف آتش و قافیه‌های جهان و جان و غیره

قصیده کمال بخاری باردیف بادو حاک و قافیه‌های سرو حبر و غیره

» شرف‌الدین سمنی باردیف بسکند و قافیه‌های هم‌حار و رار و غیره

قطعه بهاء‌الدین اوشی باردیف بشکند و قافیه‌های حری و حوار و گهر بار و غیره

قصیده اره‌ری مروری باردیف چشم و قافیه‌های چشم سار و حمار و غیره

» » » دل » هرار و بی‌مرار و غیره

قصیده محمد بن بدیع بسوی با قافیه‌های بسج و سج و سج و سج و فرسخ

و ناچرخ و اصلخ و مسلخ و آدخ و زخ و مزج و غیره

قصیده‌های رین‌الدین سحری باردیف چشم و قافیه‌های هرار و اسوار و غیره

وردیف آراسته و قافیه‌های آفتاب و نعب و غیره و وردیف شکسته و قافیه‌های آفتاب و

صواب و غیره.

قصیده شرف‌الدین فراهی باردیف و قافیه‌های حمال و شمال و منال و حال و

گوشمال و رال و غیره

قصیده سوری با قافیه‌های بطک و کلک و ححک و عدک و غیره

ترکیب بند قطران تبریزی با قافیه‌های گوهر بار بار و تار و تار و رنگ و رنگ و رنگ

رنگ و روی روی و حوی حوی و کشمیر میر و تاحیر حیر و دور دور و سور سور و بهرام رام و

با کام کام و افعال نال و آمال مال و آباداد و آراداد

قصیده محمد بن عمر فرقدی باردیف تبع و قلم و قافیه‌های یادگار و

شهریار و غیره

قصیده محمد بن علی سراحی باردیف سو و قافیه‌های نعب و حجاب و غیره

» عصی حندی » بسکند » خوار و یار و غیره

» حنتی بیا » گوهر » حوار و حروار و غیره.

» » » لعل » رمان و اسحوان و غیره

» » » رمرد » حار و لالا و غیره

» » » پیاله » سکر و بر و غیره

قصیده حتی بیا باردین بحدید و قافیه استخوان و دهان و غیره
 « » « » نوشته « لالهزار و بهار »
 « شیخ احمد بن محمد المیم با قافیه‌های مفرقی و مروقی و مطرقی و
 مستفی و غیره

ارانتخاب اشعار فوق که در لسان‌الالباب آمده است معلوم می‌شود که بعضی شعرا
 مخصوصاً بعد از عهد سلجوقی خیلی سعی می‌کرده‌اند در اشعار خود صنایع و بدایع
 به فراوانی بکار برند و قوافی و ردایم مشکلی را برای طبع آزمائی انتخاب می‌کرده‌اند ولی
 این قبیل اشعار حر علامت فصل فروشی آنها چیر دیگر سود . الحق شعر گفتن در آن سبک
 بسیار مشکل و بر رحمت وار کنند کوه و آوردن حوی شیر کمتر سود ولی این اشعار که
 مملو از صنایع و بدایع لفظی و معنوی بوده دارای همه چیز بود حر روح شعر و ردایم یابد
 و قوافی بی مزه آنها از لطف و تازگی شعر میکا سته است

عجب تر اینست که عوفی از چنین اشعار بطور اغراق آمیزی تعریف و تمجید کرده
 است و عقیده وی بعضی از گویدگان این قبیل اشعار بهتر از رودکی و عنصری بوده‌اند،
 چنانکه در دیار رفیع الدین مرزبان فارسی می‌نویسد «ولطایف سخن او ساطع نظم عنصری
 و رودکی در نوشته» حنین عقاید، خود آینه ذوق مؤلف و از جمله علل کم بودن
 اشعار لطیف و شیرین در لسان‌الالباب میباشد

سبک مؤلف بسیار مصنوع است و غالباً تکرار استعارات سمع و تشبیهات بیارد و
 تسخیمات متکلف و ثقیل و احساسات مصنوعی و غیر مطبوع و افراط در استعمال کلمات و
 تراکیب مشکل عربی و هم و درک مطالب برای خواننده خیلی دشوار و سرر حمت شده
 است و گاهی شروی بندری مصنوع است که بعضی عبارات بصورت چپستان در آمده و
 فهمیدن آن مصداق «کوه کنند و گاه بر آوردن» میباشد

باوصف ایرادات فوق این کتاب از حیث تاریخی و ادبی دارای اهمیت بسیار است

چنانکه میرغلامعلی آراد بگلگرا می‌در مقدمه «حرانه عامره» می‌نویسد: «جمیع تد نویسان متأخر در تحریر احوال شعرای اقدم القدماء عیال اوینده^۱ و در حقیقت اگر لباب الالباب بدست ما نرسیده بود اکثر شعرای متقدم در پرده حفا می‌رفتند در تد کوه دولتسار که بگمان مؤلف آن اولین تد کوه ایست که بفارسی نوشته شده از اغلب شعرای متقدم مخصوصاً معاصرین صفاریه و سامانیه و غیره بویه که در لباب الالباب از آنان یاد شده دگری برفته است و حتی دولتسار اسم آن بهار اهم شنیده بود و شرح احوال شعرای متقدمی که در تد کوه خود آورده است اکثر مشون به حکایات بی‌مأخذ و افسانه‌ها و اکادیب و مجعولات است.

اهمیت اصلی این کتاب در آنست که این قدیم‌ترین کتابیست منحصراً در ترجمه احوال شعرای فارسی که بدست ما رسیده است و برای آیندگان تنها مأخذ مهم و نمونه شمع راه بوده است^۲

برای شرح حال عوفی رجوع شود به مقدمه حوامع الحکایات چاپ لندن ۱۹۲۹ م باهتمام دکتر نظام‌الدین و مقدمه حوامع الحکایات (نسخ اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ م باهتمام و تصحیح آقای دکتر محمد معین و مقدمه منتخب حوامع الحکایات چاپ وزارت فرهنگ ایران ۱۳۲۴ م باهتمام ملک الشعراء بهار و مقدمه لباب الالباب چاپ لندن ۱۹۰۳ و ۱۹۰۶ م باهتمام دکتر براون و مرحوم علامه محمد فروزی و مقدمه لباب الالباب چاپ تهران ۱۳۳۵ م با تصحیح و تعلیقات استاد سعید نفیسی

نسخ خطی

۱- اشپرنگر س ۱

۲- برلین س ۶۳۷ (ناقص- قرن ۱۵ م)

۳- لندریانا ص ۱۲۴ س ۳۰۸ (قرن ۱۶ یا ۱۷ م)

۱- ر ك حرانه عامره صفحه ۶

۲- برای بحث مفصل درباره این موضوع رجوع شود به مقدمه کتاب حاضر در دیل عنوان

«اولین تد کوه فارسی»

چاپ

جلد اول - مرتبه د کتر پراون لندن ولیدن ۱۹۰۳ م

جلد دوم - مرتبه د کتر پراون ومیرزا محمد قرویی - لندن ولیدن ۱۹۰۶ م

جلد اول و دوم - ما تصحیح و تعلیقات از استاد سعید نفیسی - تهران

اسفند ۱۳۳۵ ش

تصحیح لباب الالباب

ارمرحوم وحید دستگردی - رجوع شود به مجله ارمعان ح ۱۱ ص ۳۳۵ و ۴ -

۶۵۲ و ۷۴۷-۵۲ و جلد ۲۲ ص ۴-۷۴۳

فهرست اسامی شعرا رجوع شود به اشپرسنگر ش ۱ (اما آن فهرست کامل

بیست)

تذکره هیچکدام ارسنخ سابق الذکر کامل بیست و در بعضی موارد افتاد گیها

هم دارد بی محل بخواهد بود اگر شمه ای در باره این افتادگی ها توضیح
داده شود

در دیل معری عربی در قطعه آخر چهار بیت ناقص آمده است و بقول استاد سعید

نفیسی «در جاهای دیگر که این قطعه را آورده اند تنها نسخ بینی که تمام است نقل کرده اند

و پیدا است که سحهای که مؤلفین سلف از لباب الالباب در دست داشته اند همین افتاد گیها

را داشته است»^۱

در دیل شعرای زیر اشعارشان در نسخ کتاب ناقص آمده است

معری (چهار بیت در قطعه آخر چنان که در سطور فوق ذکر شد) و حسروی (سه

بیت) و حمید الدین مسعود (یک بیت آخر) و شهاب الدین محمود بن علی صابع (۲ بیت) و

حبیب الدین ترمذی حطاط (۳ رباعی) و صیاء الدین کابلی (یک رباعی) و محمد کاتب

بلخی (۶ بیت) و شاعر شماره ۱۶۸ ح ۲ (۴ بیت) و صیاء الدین سحری (سه بیت) هم چنین

۱ - ر ک حاشیه ص ۵۴۰ ح ۲ لباب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی

در قصیده مؤلف که در پایان کتاب صط شدہ دہ بیت شعر باقص آمده است
 شرح حال شعرای دیل در سح لب الالباقص آمده است
 شیخ احمد بن محمد المیم و کمال الدین افتخار حاجب و صیاء الدین محمود
 کابلی و شعرای ش ۲۶۶ و ۲۶۸ (جلد ۲) و صیاء الدین سحری
 در جلد ۱ باب ۶ در دیل ش ۴۲ و ۴۳ اسم افراد مذکور در کتاب پیامده است
 اولش دیوان سلطان خسرو ساه و دومین وزیر بهرام شاه بوده است در این مورد علامه
 قزوینی و نه استاد سعید نفیسی در تعلیقات خود هیچ توضیحی نداده اند
 اسم و تحلیص شعرای ش ۱۶۶ و ۱۶۸ در جلد ۲ کتاب ذکر شده و بر شرح حال سان
 (چنان که در سطور فوق گذشت) باقص آمده است . این مطالب طاهرراً در هیچ نسخه
 لب الالباقص امروز پیدا نیست استاد سعید نفیسی در این مورد توضیحات بیسری در
 تعلیقات لب الالباقص داده اند^۱

۱ . د ک . تعلیقات استاد سعید نفیسی بر جلد دوم لب الالباقص ص ۷۶۰-۷۶۵

فصل دوم

تیموریان هند یا بابریان (۹۳۲-۱۴۷۴ هـ)

قسمت اول

از آغاز سلطت بابریان (۹۳۲ هـ) تا پایان سلطت شاه جهان (۱۰۶۸ هـ)

ملاحظات عمومی بر فصل دوم (قسمت اول) (۹۳۲-۶۸۰-۱۰هـ)

اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی این دوره

ظہیر الدین بابر در ۹۳۲ھ ابراہیم لودی، آخرین پادشاہ سلسلہ لودیان ہند، را در جنگ پانی پت شکست داد و سلطنت حاندان لودی را در ہندوستان بر انداخت و سلطنت بامیان یا تیموریان ہند را در ہند تاسیس کرد

نسب بابر ساہ (۹۳۲-۹۳۷ھ) از طرف پدر بہ امیر تیمور و از طرف مادر بہ چنگیز خان میر سندو بابر این وی اصلاً ترک بوده بہ مغول اما بعضی تاریخ نویسندگان او را استباہاً مغول نوشتہ اند. بعد از شکست دادن ابراہیم لودی بابر بر تمام شمال ہند آمد تا سواحل بنگالہ دست یافت و وجود اینکہ زبان مادری بابر ترکی بود اما وی «فارسی ہم شعر میسرود چنانکہ اشعاری از وی در تذکرہ های فارسی ضبط شدہ است

بعد از بابر شاہ پسر وی ناصر الدین ہمایون (۹۳۷-۹۶۲ھ) حاکمیت پدر شد اما قبل از اینکہ بعشہ تسخیر بقیہ نواحی شمال ہند مانند گجرات و مالوہ را عملی سازد در ۹۳۶ھ بدست شیر شاہ سوری سردار افغانہ بنگالہ شکست خورد و مجبور شد از دہلی فرار کردہ ابتدا مدتی در سندو بعد بایران پناہندہ شود بعد از بابر در ۱۰ سال بعد از تسخیر ممالک اردستان رفتہ خود بہ دہلی مراجعہ کرد و بالاخرہ در ۹۶۱ھ سلطنت دہلی را مجدداً بدست آورد و سال بعد فوت کرد

باید توجه داشت که با پروهمایون بعثت جنگ و جدالی که در تمام عمر مشغول آن بودند نتوانستند پتریب و تشویق شعرا و ادبا پردازند و تنها از خود یک شاعر معروف سراج داریم بنام شیخ حمالی (متوفی ۹۴۲ هـ) مؤلف سیر العارفين که در زمان آنها در هندوستان میریسته است. ناگفته نماند که همایون شاه بزم مانند مدرش بهارسی سمرمی سروده و اشعار وی در تذکره های فارسی تست شده است.

بعد از همایون پسر وی حلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴ هـ) درس چهارده سالگی حاشین مدرشد و بزم خان خانان سردار با تدبیر همایون تا ۹۶۸ هـ و طایف خود را بعنوان اتالیق (سرپرست) و نایب السلطنه با کمال خوبی انجام داد و بالاخره بامر اکبر شاه که در ۹۶۸ هـ تمام کلیه امور سلطنت را بعبت خود گرفت عازم حج شد اما در راه بدست یکی از افعان ها کشته شد بعد از بزم خان پسر وی عبدالرحیم خان خانان بجای پدر سپهسالار اکبر ساه شد و تا آخر عمر همین سمت را در دست داشت باید تذکر داد زبان و ادبیات فارسی از زمان اکبر ساه در سراسر سده قاره هندوستان رونق گرفت و بعثت تشویق پادشاه و امرای وی مانند عبدالرحیم خان خانان شعر و ادب فارسی در آن سرزمین پهناور فوق العاده ترقی و سیوع پیدا کرد و میسوان گفت در زمان هیچیک از پادشاهان هندوایران عدۀ شعرا و نویسندگان فارسی با اندازه زمان اکبر ساه نبوده

بزم خان و عبدالرحیم خان خانان هر دو ساعر و ادب پرور بودند چنانکه اسعار هر دو آنها در کتب بدکره و تاریخ بدکره شده است عبدالباقی بهاوندی مؤلف آثار رحیمی در حاتمۀ کتاب خود کرسعرائی را آورده است که بدربار عبدالرحیم خان خانان مربوط بودند. هم چنین کتب تاریخ مانند اکبرنامه و دربار اکبری و منتخب النواریح و بدکره هائی مانند معایس المآثر و بزم آرای و خلاصه الاسعار و غیره کرسعرای زمان اکبر ساه را بتفصیل آورده اند

بعد از اکبر پسر وی نورالدین محمد حبا بگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ) دومین پادشاه سلسله بزمیان بود که در زمان وی شعرو ادب فارسی خیلی رونق داشت و شرح مفصل

شعراى رمان وى در هفت اقليم و عرفات العاشقين و ميخانه و تاريخ جهانگيري و وجه جمع -
الشعراى جهانگيري آمده است

بايد توجه داشت كه اكثر شعراى رمان اكرو جهانگير اصلا ايرانى بودند و
حتى عزالى مشهدى اولين ملك الشعراى دربار اكرو و طالب آملى ملك الشعراى دربار
جهانگيري هر دو ايرانى بودند كه از ايران بهند مهاجرت كرده بودند و تنها شاعر
بررگ همدى الاصل اين دوره فيصلى اكرو آبادى دومين ملك الشعراى دربار اكرو
بوده است

بعد از جهانگير شاه در رمان پسر وى شهاب الدين محمد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ هـ)
بيران ادبيات فارسى درس را سر هندوستان رواج داشت چنان كه طبقات شاه جهانى و
شاه جهان نامه و حريمه گنج الهى و لطايف الخيال و كلمات الشعراء و مرآت الخيال
اسامى اكثر شعراى رمان شاه جهان را تفصيل آورده اند اكثر شعراى رمان شاه جهان
ببر ما بعد عهد اكرو جهانگير اصلا ايرانى بودند و حتى ابوطالب كلیم همدانى ملك -
الشعراى دربار وى ايرانى بود كه بهند مهاجرت كرده بود اما بايد باين نکته توجه
داشت كه عده شعراى فارسى همدى الاصل مانند سيدا و مير لاهورى و غنى كشميرى در
اين عهد بسبب سابق مراتب بيسر شده است و اكثر اين شعراى همدى الاصل بيز نظر به
مهارت و تسلطى كه بر زبان فارسى داشته اند از هر لحاظ مانند شاعران وادبان ايرانى
الاصل بوده اند

سلاطين دكن اين دوره و ادبيات فارسى

دكن كه مدت ها سر كر بر كر هگ ايرانى بوده است براى اولين دفعه قسمتى
از آن ولايت در رمان علاء الدين خلجى (۶۹۵-۷۱۵ هـ) تصرف مسلمانان در آمد و سپس
محمد بن تعلق (۷۲۵-۷۹۰ هـ) حدود عمالكت اسلامى را توسعه داد و قسمت اعظم دكن را
تحت تسلط خود در آورد اما در هنگامى كه شورش هاى داخلى در رمان وى درس را سر هند
رحداد دكن اولين ايالتى بود كه بر ماندارى علاء الدين حسن گنگو بهمنى (ملقب
به طغر خان) استغلال يافت و سلاطين بهمنى از ۷۴۸ هـ تا ۹۳۳ هـ در دكن سلطنت كردند

توسعه ممالک بهمینی مستلزم تقسیم آنها بولایاتی شد و همین تقسیم راه برای تحریر سلطنت دکن پار کرد چنانکه یوسف عادلشاه در ۸۹۵ هـ در بیجاپور و احمد بن نظامشاه در ۸۹۶ هـ در احمد نگر و عماد الملک فتح الله در ۸۹۰ هـ در برار و قاسم در ۸۹۷ هـ در پیدرو سلطان قلی قطشاه در ۹۱۸ هـ ولایات خود را مستقل اعلام کردند.

سلاطین بهمینی که با ادب و هنر علاقه فراوانی داشتند درد کن بنیان فرهنگ ایران را نهادند و در میان آنها بعضی سلاطین بفارسی شعر میسرودید مانند سلطان محمد شاه دوم بهمینی (۷۸۰-۷۹۹ هـ) و سلطان فیروز شاه بهمینی (۸۰۰-۸۲۵ هـ) و سلطان سکندر بهمینی (طاهر آ سلطان محمود شاه بهمینی ۸۸۲-۹۲۴ هـ)

بعد از سلاطین بهمینی در زمان عادلشاهیان (۸۴۱-۱۰۹۵ هـ) و قطشاهیان (۹۲۴-۱۰۹۸ هـ) پیشرفت فرهنگ و ادبیات فارسی درد کن بکمال رسید. اکثر سلاطین این دو سلسله بفارسی شعر میسرودیدند و دربارشان هرگز و مجمع فضلا و ادبای ایرانی بوده است.

در میان عادلشاهیان اسامی و اشعار یوسف عادلشاه (۸۹۵-۹۱۶ هـ) و اسمعیل عادلشاه (۹۱۶-۹۴۱ هـ) و ابراهیم عادلشاه بانی (۹۸۸-۱۰۳۸ هـ) و در میان قطشاهیان اسامی و آثار یار قلی حمشید قطشاه (۹۵۰-۹۵۷ هـ) و سلطان محمد قلی قطشاه (۹۸۸-۱۰۲۰ هـ) و سلطان محمد قطشاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵ هـ) در کتب تذکره و تاریخ درج گردیده است.

باید توجه داشت که سلاطین عادلشاهی و قطشاهی اصلاً ایرانی و مذهباً سیه بودند و غالب آنها بجای پادشاهان تیموری هند ساهان ایران را بعنوان پادشاه خود میساختند و همین موضوع یکی از علل اساسی برچیده شدن آنها بدست تیموریان هند بوده است.

۱- برای شرح حال و آثار سلاطین بهمینی و عادلشاهی و قطشاهی رجوع شود به مرهاثی مؤثر تألیف علی بن عربی بالله طباطبائی سال ۱۰۰۰ هـ و تاریخ ورشته تألیف ۱۰۱۵ هـ و تذکره الملوك تألیف میردوبع الدین ابراهیم شیرازی سال ۱۰۱۲ هـ و تاریخ سلطان محمد قطشاه سال ۱۰۲۶ هـ

تذکره نگاری در این دوره

این دوره در تاریخ تذکره نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد چون در تذکره های این دوره به تنهاد کر تمام شعرای زمان تیموریان هند آمده است بلکه بعضی تذکره ها شعرای متقدم را هم شاملست (رحوع شود به برم آرای وهفت اقلیم و خلاصة الشعراء و عرفات العاشقین و خرینه گنج الهی) و بنا بر این تذکره های این دوره به تنهادر تدوین شعر فارسی در زمان تیموریان هند مأخذ و منبع بسیار مفیدی است بلکه تا حدی آینه تطور و تحول شعر فارسی از زمان قدیم تا زمان تیموریان بزرگ هند میباشد.

در این دوره دو تذکره بسیار مهم از لحاظ انتخاب اشعار شعرا تألیف شده است بنام بتخانه (خلاصة الشعرا) و خلاصة الاشعار که نویسندگان آن دیوان شعرای بزرگ متقدم فارسی را در تذکره های خود خلاصه نموده و اکثر اشعار خوب آنرا در تذکره های خود آورده اند و بنا بر این کسیکه با اشعار خوب شعرای متقدم علاقمند است دیگر احتیاج نداشته دیوان آنها ندارد.

همچنین در این دوره بعضی تذکره ها از لحاظ شرایط و لوازم تذکره نگاری بسیار مهم بوده است از جمله میخانه عبدالنسی و خلاصة الاشعار از حیث شرح حال و انتخاب اشعار و بتخانه (خلاصة الشعراء) ملا صوفی مازندرانی را از حیث حسن انتخاب اشعار شعرا میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی حساب کرد.

اکثر تذکره های این دوره را یکی از سلاطین هند یا امراء و حکام یا منسوبین آنها

بقیه در صفحه قبل

(مؤلف؟) و حدیقة السلاطین تألیف میرزا نظام الدین احمد شیرازی سال ۱۰۴۵ هـ و حدایق السلاطین تألیف علی بن طیفور سظامی سال ۱۰۹۲ هـ و تاریخ قطب شاهی تألیف قادر خان منشی بیدری سال ۱۲۴۵ هـ و سلاطین السلاطین تألیف میرزا ابراهیم ربیری (سال؟) و محبوب الرحمن (اردو) تألیف مولوی عبدالحصار خان ملکا پوری چاپ حیدرآباد سال ۱۳۲۰ هـ و کلام الملوك (اردو) تألیف میر سعادت علی رضوی سال ۱۳۵۲ هـ.

تألیف شده است چنانکه روضه السلاطین بنام ابوالفتح شاه حسن ارغون حاکم سندوتته و
خواهر العجائب بنام ماهم دایه اکر شاه و برم آرای بنام عبدالرحیم خانان و خلاصه
الاشعار (اول بنام شاه طهماسب صفوی و سپس بنام شاه عباس بررک صفوی و در آخر) بنام ابراهیم
عادلشاه سلطان بیخا پور و مجمع الشعرای حبا نگیری بنام حبا نگیر ساه عنوان شده است
تقریباً تمام تذکره های این دوره را کسانی که بهند مهاجرت کرده یعنی از ایران و
افغانستان و ترکستان روسی فعلی بهندوستان رفتند و آنجا سکونت داشته بودند تألیف
نموده اند چنانکه قبضی هروی مؤلف روضه السلاطین و خواهر العجائب و علاء الدوله
هریزی مؤلف نفایس المآثر و سیدعلی بن محمدود الحسینی مؤلف برم آرای و امین احمد
رادی مؤلف هفت اقلیم و بنی کاسی مؤلف خلاصه الاشعار و ملا محمد صوفی مازندرانی
مؤلف پتخانه (قسمت اشعار خلاصه الشعراء) و مؤلف تذکره حرانات (که ظاهر آراهل
هرات بوده است) و تقی اوحدی مؤلف عرفات العاشقین و عبدالنسی مؤلف میخانه و مطربی
سمرقندی مؤلف تاریخ حبا نگیری و قاطعی مؤلف مجمع الشعرای حبا نگیری و مرعماد
حسینی مؤلف حرینه گنج الهی از سرزمین ایران و افغانستان و ترکستان روسی فعلی
بهند مهاجرت کرده بودند

در میان تذکره نویسان فارسی این دوره تنها دو نفر سام عبداللطیف گجراتی
مؤلف خلاصه الشعراء و محمد صادق مؤلف طبقات ساه حبابی اراهللی هند بوده اند
تذکره های دیل تقریباً تماماً درود کر شعرای دربار تیموریان هند میباید بنام
المآثر و تاریخ حبا نگیری و مجمع الشعرای حبا نگیری و طبقات ساه حبابی
در میان تذکره های این دوره تنها یک تذکره بنام روضه السلاطین و عطد کر سلاطینی
را آورده است که سر میسروده اند و تذکره حرانات تنها تذکره شعرای معاصر مؤلف را
آورده است

از میان تذکره های این دوره تنها میخانه درباره شعرائیسب که «ساقی پامه»
سروده اند (الته در ذک فصل کتاب ذکر بعضی شعرائی را هم آورده است که ناموقع
تألیف میخانه ساقی پامه سروده بودند) و بعید تذکره هادره موقع انتخاب اشعار هیچ نوع

تخصیص بیکدیگر از اصناف سخن قایل شده اند

سنگ این دوره

تقریباً تمام بد کرده‌های این دوره بر بان ساده بوده و تنها در مقدمه مخصوصاً در موقع حمد و نعت و منصف و مدح پادشاه و امیر یا ممدوحان دیگر مؤلف و هم‌چنین در موقع تعریف شعر بر بان مصروع پرداخته اند. تنها کتابی که در این دوره سنگ مصنوعی نوشته شده است نرم آرای است که مؤلف آن تحت نفوذ سنگ عوفی قرار گرفته و کتاب خود را بهمان سنگ عوفی تألیف کرده است. باید توجه داشت که مؤلف نرم آرای اکثر مطالب را عیباً از لسان الالاب عوفی نقل کرده است.

اینک شرح تذکره هائیکه در شبه‌فاره هندو یا کستان در دوره اول تیموریان هند تألیف شده است میپردازیم.

روضه السلاطین

ابتدا

ای کوی تو روضه سلاطین جهان
وی سوی تو دلها همه پیدا و بهان
رویافت بتو کسی که وارستار خود
یک لطف کن و مراد خود نار جهان
سپاس و ستایش بی قیاس پروردگاری را که روضه اقبال سلاطین عالم را بریا حین
عدل و احسان مرین و معطر گردانیده

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد متخلص ببحری هروی ابن امیری است اما بعضی درد کر اسم او اشتباه کرده اند در سححه لطایف نامه^۱ متعلق به دوره بریتانیا (رجوع شود به ریوس ۳۶۵) نام مؤلف آن اسبیاها بحری بن سلطان محمد امیری ذکر شده ولی در سححه دیگر از همان کتاب که متعلق به کتابخانه سحسی حاجی محمد ببحوی است این عبارت آمده است که اسم صحیح مؤلف را نشان میدهد «تراب اقدام حراعه

نوشان جام الفجر فحری سلطان محمد بن امیری، که طاهرأ در این عبارت کلمه فحری سهواً یا عمداً برای احترام از تکرار حذف شده است^۱

الهی تحت نام فحری مینویسد «سلطان محمد امیری متخلص به فحری یکی از ارباب بود تا زمان طهماسب میریسب و مادح آن ملک بوده و محالس النعائیس میرعلی شیر از ترکی بفارسی ترجمه کرد بعضی تراجم شعرای دوره دوم اضافه کرد. کسان دیگری بنام «ستان خیال» نیز تألیف کرد که مطلع های عرفها از شعرای مختلف رهاش دارد».

وحای دیگر در دیل نام فحری میگوید: «فحری هروی رفیق میرعلی سر بود بعضی گویند که این فحری هماسب که در کوش گذش»
و بار در صفحه ۲۶۳ همان کتاب (تذکره الهی) عبارت زیر آمده است «فحری سلطان محمد پسر امیری بود محالس النعائیس را ترجمه کرده به لطایف نامه موسوم کرده»

مؤلف خلاصه الافکار اسم مترجم محالس النعائیس را مولانا سلطان محمد امیری آورده است و میگوید «منحمله آثار میرعلی سیر محالس النعائیس است که او در زبان ترکی نوشت مولانا محمد سلطان محمد امیری آن را بفارسی ترجمه کرد و در آخر يك مجلس اضافه نمود این کتاب شعراء و فضلا از زمان شاهرح بارمان ساه اسمعیل دارد»
شمس الدین سامی مؤلف قاموس الاعلام ترکی واهمه اشناه روی داده است و وی فحری را نامیری حلط کرده و تألیف لطایف نامه و بوستان خیال را بحای فحری به امیری نسبت داده است چنانکه میگوید

امری از شعرای ایران بوده و در زمان ساه طهماسب صعوی ریسته است منظومه سام بوستان خیال و چند مثنوی و اسعار دیگر دارد و هم چنین تذکره الشعراء میرعلی

۱- ر ك مقدمه مصحح محالس النعائیس (دو ترجمه آن از قرن دهم) باهتام استاد علی اصغر

شیر نوائی موسوم بمجالس النعائس را از حجتائی بفارسی ترجمه کرده است.^۱
 در همان کتاب (قاموس الاعلام ترکی) در ذیل احوال مولانا فحری بن محمد
 امیری بیر شرح حال مختصری آمده است که بقرآذیر است.^۲
 «مولانا فحری بن محمد امیری) ارا هالی هرات بود بعد از ایفاء مراسم حج در زمان
 شاه طهماسب حسینی بصوب سغد عریض گرد و مورد الطایف حاکم آنجا عیسی تر کجان
 (ترخان) واقع گردید در او احر قرن دهم هجری بدرود درندگی گفت. تذکرة الشعرائی
 بنام «خواهر العجائب» و دو اثر دیگر موسوم بتذکرة النساء^۳ و تحفة الحیب از او بیادگار
 مانده است باشعار او دسترس پیدا نکردم».

در کتاب «لطایف نامه» که مستمل بر ترجمه فارسی مجالس النعائس علی شیر نوائی
 میباشد فحری اشاراتی بکرده که در مورد احوال زندگی مؤلف مفید و قابل استفاده
 ناست تنها از خلال سطور این ترجمه (لطایف نامه) بر می آید که فحری بر دخواججه حیب الله
 ساوخی وریر حراسان شان و مقامی داشته و آن ترجمه خود را بطراو میرساییده است و
 از او به «ولی العجمی» تعبیر میکند و بعضی اشعار در آن کتاب بر حسب او امر او اصفه
 میکرده است.^۴

واله داغستانی در تذکره «ریاض الشعراء» مینویسد

«مولانا فحری در رهند و ورع یگانه رمان و در تصوف نادره دوران است. چند مثنوی

در سلك نظم کتیده و از معاصرین شاه طهماسب معفور ماضی بوده»

در «تاریخ معصومی» شرح بسیار مختصری از وی آمده است و مطالب مهمی در مورد

زندگانی او از آن کتاب بدست نمیباید. مؤلف تاریخ معصومی مینویسد.

۱- ر ك. قاموس الاعلام ۲ چاپ استامبول

۲- ایضاً ۵

۳- تذکرة النساء تألیف فحری بن امیری همان خواهر العجائب است و لایعیر

۴- ر ك ترجمه مجالس النعائس مصحح استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ ص ۲۱.

«مولا با فخری هروی مردی خوش طبع و اکابر بوده و شعر نیز می‌گفته بعضی تصنیفات دارد در صنایع و بدایع و عروض و قوافی»^۱

مؤلف مدتی در دربار شاه حسن ارغون حاکم سندوتته (۹۳۰-۹۶۱ هـ) بوده و دو کتاب خود را بعنوان صنایع الحسن و روضه السلاطین را بنام وی تألیف کرده است. بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نرسیده و معلوم نیست که وی کجا و در چه سالی فوت کرده است.

آثار مؤلف

کتاب مختلفی که در کبری از فخری هروی آورده اند اسم کتابهای زیر را از جمله آثار وی نوشته اند

۱- تحفة الحیب - اسم این کتاب را مؤلف در مقدمه حواهر العجایب آورده است (رجوع شود به سبب تألیف آن کتاب) این کتاب مجموعه غزلیات است که فخری از شعرای مختلف ترتیب داده و نام حیب الله ساوخی و زیر مذهب ده آصف عنوان کرده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه بانک ملی نور موجود است (رجوع شود به فهرست کتاب خانه بانک ملی پور، تکمیل اول، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴، ۱۹۹۳)

۲- لطایف نامه - ترجمه فارسی تذکره مجالس النعمایس علی شربوئی که اصلاً بر زبان ترکی است. مؤلف این ترجمه را بنامند بحمد الحیب نام حیب الله ساوخی و زیر عنوان کرده است. این کتاب تا ترجمه دیگر فارسی به اهتمام اسد علی اصغر حکمت در تهران در ۱۳۲۳ ش چاپ شده است.

۳- صنایع الحسن - در صنایع و بدایع است که مؤلف بنام شاه حسن ارغون حاکم سندوتته تألیف کرده است. امروز نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست.

۴- نستان خیال - این کتاب مجموعه ایست از مطلع غزل‌های شعرای مختلف معاصر مؤلف.

۵- حواهر العجایب - تذکره دیگر مؤلف (رجوع شود به حواهر العجایب

در کتاب حاضر)

۶- روضة السلاطين - تذکره مورد بحث^۱.

تصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را نام ابوالفتح شاه حسن عاری ظاهراً شاه حسین ارغون حاکم سدوتته (۹۳۵-۹۶۱هـ) تألیف کرده است این کتاب مشتملست بر ذکر بعضی پادشاهانی که شعر سروده اند و حاوی هفت باب است بهر ارزیر

باب اول (ص ۴ب) - «در بیان وجه تسمیه شعر و احوال بهرام گور و ابتدای نظم فارسی و احوال سلطان سحر ماصی و طغرل بیك سلجوقی که گاهی بنظم الثقات میفرموده اند»
 باب دوم (ص ۹الف) - «در بیان احوال پادشاهان جغتائی اور بیک (اوز بك) و سلاطین ایران که اشعار خوب گفته اند و در میان مردم شهرت تام وارد نموده اند»
 باب سوم (ص ۱۱الف) - «در بیان احوال پادشاهان جغتائی ار اولاد امجاد امر تیمور صاحب قران که در سمرقند و حراسان بوده و ابیات و اشعار بیک فرموده اند و دیوان عربی ترتیب داده اند»

باب چهارم (ص ۲۱ب) - «در بیان احوال پادشاهان عراق و روم که نظم گفته اند»
 باب پنجم (ص ۲۶ب) - «در ذکر سلاطین و ملوک هندوستان که نظم میل کرده اند»
 باب ششم (ص ۲۸ب) - «در بیان احوال امرای عالیشان پادشاه ساسانی (که) سراطاعت

۱- مؤلف «تاریخ مصومی» کتابی مام روضة السلاطين ماسم یک نفر دیگر آورده است چنانکه

«شاه حسین تکردی [که در صمیمه تکردی تصحیح شده است] در سلك امرای میر پادشاه حسن انتظام داشت به حدت طبع و خودت دهن و مکارم اخلاق و محاسن آداب سرآمد فصلای زمان خود بوده او در فن شعر و تاریخ مهارت کامل داشت و روضة السلاطين از جمله مصنفات اوست (رک استوری ص ۲۹۶ ح ۱) روضة السلاطين مرثویا کتابی غیر از روضة السلاطين عربی است یا نه مصومی استثناء رح داده است»

بهر کس فرو بیاورده اند^۱ و ابیات خوب دارند.

باب هفتم - در ذکر جمال حضرت نواب و ختم کتاب.

در پایان کتاب قصیده‌ای در مدح شاه حسین مذکور آورده است که مطلعش بقرار

زیرا

دل‌سرمست جام عشق و عقل کل زبان‌دانش بگوید بشنود هر دو جرار تو حیدیر دانش

نسخ خطی

۱- برلین ش ۶۴۴

۲- بلوشه ح ۲ ش ۱۱۴۲ (قرن ۱۷م) و ش ۱۱۴۲ (اواخر قرن ۱۷م)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره الهی و خلاصه الافکار و اشپرنگر

(ح ۱ ش ۵) و تاریخ معصومی و ریاض الشعراء و قاموس الاعلام ترکی تألیف شمس الدین

سامی ج ۲ و ۵ چاپ استامبول و ریو و استوری ح ۱ ص ۷۹۶ و ترجمه مجالس النقایس

(لطایف نامه فحری) با اهتمام استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ ش، مقدمه مصحح

فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب یا فهرس کتب فارسی کتابخانه هاد کر

نشده است

جواهر العجایب

ابتدا

فارغ ر همه عم و مصایب دیدم

خودراز خودی بهر تو غایب دیدم

چون عرش جواهر عجایب دیدم

کردم نظرو فرش حریم حرمت

جواهر عجایبی که ریور گوش پرده شینان سراوقات سلطان عقل و هوش تواند

بود حمد و ثنای قادر است که دست معمار قدرتش قبه لاخوردی فلک دوار را بدرهای شاهوار

ابحتم ثواب و سیار مرین و محلی گردا بیده^۲

۱ ظاهراً بیاورده اند.

۲ اشپرنگر ابتدای این کتاب را بدین قرار آورده است

سحن حاست و دیگر گفتگو جانان رمن بشنو اگر هر لحظه جان تاره میجواهی سحن بشنو

اما این محققاً اشتباه است چون بیت فوق در ابتدای «کلمات الشعراء» آمده است به

«جواهر العجایب».

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد منحلص به فحری هروی است
(برای شرح حال او رجوع شود به بحث در باره روضه السلاطین در صفحات قبل).

تصویر بر کتاب

مؤلف در مقدمه مختصر این کتاب در مورد سب تألیف چنین توضیح داده است
که وی در زمان شاه ظهیرالدین محمد اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ هـ) برای زیارت «حرمین
شریفین» رفت (در ایام حاکم دویب از آن پادشاه مدح گفته است) گذرش بملک هند
افتاد و آنجا چندی اقامت کرد تا آنکه شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ هـ) قدم بر سریر همایون
نهاد (ایضا مؤلف قصیده‌ای در مدح آن شاه آورده است) بحاطر مؤلف رسید که
باید هدیه‌ای لایق مجلس آن پادشاه تهیه کند مدتی در این اندیشه بود. آخر شبی
مجموعه «تجعة الحیب»^۱ را مطالعه میکرد و «بر اشعار دلپذیر محادیم» می‌گشت.
ناگاه بطرف برعربی از مسماة مهری افتاد که مطلعش بدین قرار است

حل هر بکنه که بر بیز خرد منسکل بود آرمودیم بیک حرعه می حاصل بود

«آخر بعد از مشاهده بسیار بدلم چنان تاه و بر حاطرم قرار یافت که جهت
انساط حاطر آن بلعیس نشان (یعنی ماهم دایه اکر شاه) آنچه از طایفه انانث در لباس
بیکو'ناس نظم ظاهر شده جمع سازم که بعایت غریب است پس ترتیب این مختصر
کوسیده فراهم آوردم چون حین حواهر لطیف از معادن طبع ایشان محل تعجب بود
این سحر را سارا تمام «حواهر العجایب» نام کردم.»

مؤلف این کتاب را بنام ماهم دایه اکر شاه که اشاره با اسم او در سطور فوق گذشت
تألیف نموده است و در نایان کتاب (ص ۲۲) قصیده‌ای در مدح «ماهم» به مطلع زیر آورده

ای شکوه معجرت تاحسرا بر افتخار گشتن از رای تو حسر حسروان روزگار

و در بیت زیر اسم ماهم را ذکر کرده است

کامگار بحب و دولت ماهم بلعیس قدر آنکه شد بر ورده اورا در شاهی بر کنار

تعمیده اشپرنگر فحری این کتاب را در دربار محمد عیسی خان ترخان (هنوفی) -
 ۹۷۴ هـ) که آتوق خان کم‌سند بود نوشته است.
 این تذکره زبان شاعر است و مستعمل است بر نمونه اشعار و شرح حال بسیار
 مختصر بیست و سه ساعره که مؤلف در در کراسامی آن هیچ فائده مخصوص را مراعات
 کرده

بروایت اشپرنگر مؤلف این کتاب را سال ۹۴۷ هـ تألیف کرده است و بیست و یک بار
 در اثبات عمیده خود آورده است که بقول او سال تألیف کتاب را می‌رساند
 خود را حور خود بهر تو عایس دیدم تاریخ رهمه عم و مصایس دیدم
 سپس اشپرنگر مصرع دوم بیست و فوق را بدست صورت تغییر داده است «تاریخ همه
 عم ر مصایس دیدم» و گفته که چون اراعداد همه عم (۱۰۹۰) اعداد مصاس را (۱۴۳)
 م با کیم عدد ۹۴۷ بدست می‌آید که سال تألیف این کتاب را می‌رساند
 اما باید توجه داشت که بیست و فوق در ابتدای نسخه‌های این کتاب (حناکه
 در سطور فوق گذشت) بدین فرار آمده است
 خود را از خودی بهر تو عایس دیدم فارع رهمه عم ر مصایس دیدم
 و چنانکه معلوم است بیست و فوق بیست و اول رباعی است که این کتاب با آن شروع
 می‌شود و بنا بر این با احتمال قوی اشپرنگر استناداً کلمه «فارع» را «تاریخ» خوانده
 است

در هر حال سال تألیف این کتاب درست معلوم نیست اما چنانکه مؤلف در دلیل
 مقدمه کتاب توضیح داده است وی این کتاب را بعد از حلوس اکر ساه (۹۶۳ هـ)
 تألیف نموده است و ظاهر آنست که مدت زیادی بعد از حلوس اکر ساه نگذشته بود که فحری دست
 زدن بر این کتاب کرده است

این کتاب با «مہستی» شروع شده با «سہ سہ سائی» ختم می‌شود و تذکره بسیار
 مختصری است و مستعمل بر بیست و سه صفحه است که طی آن مؤلف بیست و سه ساعره را

دگر نموده است از این جمله ذوساعره بنام مسماة معول حاتم و مسماة تردی ترک
ربان هستند که مؤلف از آنان شعراترکی نقل کرده است

در آغاز کتاب مؤلف حکایات بهرام گور و محبوبه وی «دل آرام» و ابتدای «چهار-
گساره» را آورده است سپس بعنوان سند شعر گوئی حکایات حضرت رسول و حضرت
عایشه را نقل میکند و در ردیل آن بیتی عربی از حضرت عایشه نقل کرده است که وی
در حضور حضرت رسول خوانده و حضرت آن را اصلاح نموده بود سپس یکی
از بیاتی که حضرت فاطمه در موقع وفات رسول اسناد کرده بود آورده است بعد از آن
بیتی عربی از ردیحا نقل کرده است که وی برای حضرت یوسف ساخته بود
سپس مؤلف شرح احوال و نمونه اشعار شعرا که اصل موضوع کتاب است

مؤلف در این کتاب عالماً اطلاعات مهمی راجع برندگان گامی شاعرانها بیاورده و
حتی سائل و دلالت وفاتشان را نیز دگر نکرده است تنها از حکایاتی که در ردیل بعضی
شاعرانها نقل کرده و طی آن نام امرای زمان آنان و عبره اشاره نموده است میتوان
برمان آنها بی برد و الاحتی تعیین عهد اکثر آنان هم از این تذکره متدور و ممکن
دیسد

در انتخاب اشعار نیز مؤلف در ذوق خوب دسان نداده است و طبع ذوق آن وقت
از بعضی شاعرانها اسعاری متدلل نقل کرده است مثلاً رجوع سوره مسماة مہری و مسماة
دخه و مسماة صعیمی در این تذکره

با وجود اینکه اسعاری که مؤلف از شاعرانها آورده است اکثر فاقد عدویب و
لطف میاسد معدلك گاهی در تعریف آنها راه اعراق بیموده و آنرا «بی نظیر» و غیره
بوسته است مثلاً

ز ردیل نام خا بر اده میبویسد «در حوس طمی نظیر نداست»

مسماة بیخه مجده میبویسد «طریقه و عارفه و نازده ایام بود خصوصاً در علوم

بحوم که مثل او نبود»

سبک انشای مؤلف عالماً مصوع و پرتکلف اسب و مؤلف گاهی نش مسجع هم

بوسته اسب

رویهمرفته «جواهر العجایب» تذکره‌ای باچیز و کم ارزشی اسب چه از حیث
انتخاب اشعار شاعره‌ها و چه از حیث شرح حالشان چندان اهمیت ندارد اما ناوصف
این ایرادات حوں این کتاب اسم و اشعار بعضی ساعره‌ها را شامل اسب که در کتب
سابق ذکر نشده اسب نمیتوان بکلی مکرر اهمیت آن سد در هر حال این حصیص
عیر قابل تردید است که مؤلف در تألیف آن کتاب بحودریاد رحمت داده و حتی شرح
حال بعضی ساعره‌ها را که طاهرأ معاصر او بودند بیر بطور مفصل و معیندی بیاورده-

اسب

نسخ خطی

۱ - نادلین نش ۳۶۲ - طاهرأ خلاصه این تذکره است در سه صفحه

مورخ ۱۱۸۵ هـ

۲- نابکی نورج ۹ نش ۱۰۹۸ » در ۴ صفحه مورخ فرس ۱۸ م

۳- بوهارس ۴۸۲ (۱) » » » » ۱۶ م » ۱۹ م

۴- اشپرنگر ح ۱ س ۵

چاپ

این تذکره سال ۱۸۷۳ م (= ۱۲۹۰ هـ) در مطبع بولکشور لکبوهید نطع

رسیده اسب

برای فهرست اسامی رجوع سوده اشپرنگر ح ۱ ص ۱۱ (فهرست اسامی ۲۳ ساعره)



نفایس المآثر

آفتاد

مطلع انوار کلام قدیم

«سماله الرحمن الرحیم

رسیده نامه فصل الخطاب

زیب دیماحه ام الکتاب

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرعلاءالدوله متخلص به کامی است که از خانواده معروف علمی و ادبی قزوین بوده و صیبه شهرت این خانواده از ایران تا هندوستان رسیده بود اسم پدرش میریحیی بن عبداللطیف السیفی الحسنی^۱ قزوینی (متوفی ۹۶۲ هـ) است که از مورخین بزرگ آن عهد بود و حافظه او اینقدر قوی بود که اکثر وقایع مهم تاریخی از زمان رسول تارمان معاصر خود حفظش بود هنگامیکه همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳ هـ) در ۹۵۵ هـ از هندوستان فرار کرده به قزوین ساهنده سدا ریحیی بعضی سؤالات تاریخی پرسید و از پاسخ گوئی وی که ارتحالاً و بداهة داده حنان خوشحال شد که گف یکی از فواید مسافرت من عراق (عجم) ملاقات با یحیی میباشد^۲

یحیی از حیث مورخ حلی شهرت و معروفیت داشت حیرتی از شعرای معاصر وی در این باره میگوید

قصه تاریخ از او باید شنید

کس در این تاریخ مثل او ندید

عبارت رسایل مختلف یحیی تاریخی امام «لب المواریح»^۳ نوشته است این کتاب را وی بهرامیس ابولفتح بهرام میرزا (متوفی ۹۵۶ هـ) تألیف نمود تاریخ مدکور حاوی وقایعی از زمان قدیم تا سال ۹۴۸ هـ میباشد (که ظاهراً سال تألیف این کتاب است)

یحیی شاعر هم بود و علاءالدوله بینی چند در نقایس المآثر اروی نقل کرده

در اوایل یحیی مورد احترام ساه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هـ) بوده و ساه مر بو.

۱- استوری در جلد ۱ ص ۸۰۰ حسینی نوشته است

۲- ر ك نقایس المآثر بسحه علیگره برگه ۳۲۵ الف -

۳- برای سح حطی این کتاب ر ك استوری ح ۱ ص ۱۱۱

وی را (یحیی معصوم) میگفت ولی بعداً در آخر عمر ستاره یحیی بر گیسب وی را نامر
شاه طهماسب دستگیر کرده ناصه‌بان بردند و وی در آنجا در زندان سال ۹۶۲ هـ
در ...

استوری مینویسد^۱ که موقعیکه شاه طهماسب حکم دستگیری میر یحیی و
حاجوادهاش را سال ۹۶۰ هـ بعلم‌سی بودن آنها با دریا یحان فرستاد علاءالدوله که
بروایت بدو بی^۲ در آن وقت در آذربایجان بود پذیرش حر کرد ولی ندر نتوانست
فرار کند و دستگیر شده در زندان خان سپرد امامیر عبداللطیف برادر علاءالدوله موفق
شد به کوهپای گیلان فرار کند همایون پادشاه هندوستان او را به هندوستان دعوت
کرد و وی عازم هندوستان شد ولی بعد از فوت همایون در سال اول سلطنت اکبر شاه
(۹۶۳ هـ)^۳ به‌د رسید بروایت ندو بی عبداللطیف از ایران فرار کرده در دربار
همایون شاه ماه حسب و همایون او را اتالیق (استاد و سربرس) و تبعه خود اکر
منصوب کرد بی سال ۹۸۱ هـ در هندوستان فوت کرد^۴

میر یحیی ندره مؤلف طاهر آسه سرداشت نام میر عبداللطیف و قاصی صهی الدین عیسی
و میر علاءالدوله از این جمله کر عبداللطیف^۵ در سطور فوق گذشت قاصی صهی الدین
عیسی برادر دوم علاءالدوله که درس از وی بزرگتر بود مانند ندر خود عالم و ساعر
بود در سال ۹۷۶ هـ وارد هندوستان گسبه و در حاکم‌نواده ساهی سمب مسی گری زادش و

۱- رک نفیس المآثر بسجده علیگره رک ۲۱۱ ب - در سجده رامپور سال وفات وی
۹۷۲ هـ ذکر شده است

۲- ماخذ استوری برای این روایت (چنانکه خودش ذکر کرده است) اکبرنامه
ج ۲ ص ۳۵ و ندو بی ج ۱ ص ۳۰ میباشد

۳- رک ندو بی ج ۳ ص ۹۸

۴- رک ندو بی ج ۳ ص ۹۸ ندو بی ایچا مینویسد «پادشاه پیش ایشان صیقی چند
اردیوان حواحه و غیر آن حوادده اند» بیدر مآثر الامرا ج ۳ ص ۸۱۴ عبارت بر در این باره
آمده است در سال دوم به معنی عرش آسانی افتخار اندوخته

۵- رک نفیس المآثر رک ۲۲۲ الف

۶- برای عبداللطیف رک ندو بی ج ۳ ص ۸ - ۹۷ و آئین اکبری و ترک جهانگیری
و مآثر الامرا ج ۳ ص ۵ - ۸۱۳ و رحمن علی ص ۱۳۲ و غیره

در ۱۲ ربیع اول ۹۸۰ هـ در شهر آگره فوت کرد علاءالدین بیٹی جمدار وی در
نعمایس المآثر نقل کرده است

میر عبداللطیف سری داشت بنام عیاش الدین علی احمد که بعین خان لقب داشت
و داماد میر محمود محوی بود وی بیرماند پندر در تاریخ و سیر بی همنا بود و وی همراه
پندر خود به آمد^۱ اکبر ساه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) اورا چنان عزیز داشت که هیچوقت
نمیگذاشت از نظروں دور شود^۲

میر سکر الله شکری (متولد سال ۹۴۲ هـ) برادرزاده دیگر علاءالدوله بود
وی تارمان تألیف نعمایس المآثر در قید حیات بود و از علم و فصل حاد بن خود بهره
سزائی برده بود علاءالدوله بعضی اشعار وی را در تذکره خود نقل کرده

شرح حال معصل علاءالدوله در هیچ کتابی پیدا نیست و حتی ملا عبدالقادر
نداوی مؤلف مستحب التواریخ که از علاءالدوله کسب فیض نموده بود راجع به وقایع
مهم زندگی وی هیچ اشاره ای نموده است و تنها مآخذی برای شرح زندگی علاءالدوله
تذکره «نعمایس المآثر» تألیف خود است

از این تذکره معلوم میشود که علاءالدوله از کوچکی ذوق و سوق ریاضی شعر
و علاقه مهر طی یعنی حلاطی داشت و این فن را از امیر کنگ یاد گرفته و رساله ای هم
در این فن تألیف نموده بود^۳ چنانکه گنبد هنگامیکه علاءالدوله از پهل و نص
شاه ظهاس صفوی است پذیرس ناخرسد وی در آذربایجان بود وی برای حفظ جان
خود ترك وطن گمنه بهندوسان هجرت نمود ولی معلوم نیست در کدام سال وی وارد
هند گنبد نداوی در باره وی می نویسند «هم برادر خود عبداللطیف و هم بر بیب کرده
او بود و او را حضرت آقا میگفت»^۴

۱- ر ك نداوی ح ۳ ص ۳۲۱ ۲- ر ك استوری ح ۱ ص ۸۰۰-۸۰۱

۳- ر ك نعمایس المآثر ترك ۹۵ الف ۴- ایضاً ترك ۱۹ الف

۵- ر ك نداوی ح ۳ ص ۹۷

علاءالدوله نامدهب اسلام علاقه زیادی داشت و در بند کمره خود در مواردی بسیار اشاراتی بآیات قرآن و احادیث رسول آورده است همچنین دوق عرفان و بصوف هم داشت و همیشه در تذکره خود اسم صوفیه را با احترام میآورد

علاءالدوله شعر هم میسروده است ولی چنانکه در اشعارش که در این تذکره آورده است پیدا است در این فن چندان مهارت و معروفیت نداشته است معذک قطعهای تاریخ که وی سروده است از حیث تاریخ حالی از ارزش و اهمیت نیست چون اعلا این قطعها در تاریخ تولد یا وفات بعضی از معاصرین وی یا بعضی وقایع مهم زمان وی بوده است

سال وفات مؤلف معلوم نیست ولی در موقع تألیف منتخب الواریح (۱۰۰۴ هـ)

هنوز در قید حیات بود

آثار مؤلف

علاءالدوله از آثار خود اسم کتابهای زیر را در نقایس المآثر آورده است

۱- صحیفه الارقام - رساله‌ای در فن خطاطی

۲- رساله‌ای در صنایع شعر

۳- بعضی رسایلی که مؤلف در ردیل نام صوفی کسمیری بآن اشاره نموده است ولی

شرح آن معلوم نیست و فهرست یا نسخ این رسایل در هیچ کتابخانه موجود نیست

۴- نقایس المآثر - تذکره مورد بحث

نصرت در کتاب

برای بی بردن بارش این تذکره باید به نکات زیر توجه داشت

۱- علاءالدوله برادر عبداللطیف فریبی استاد آکبر شاه بود و بنا بر این طاهرأ

در دربار شاهلی نبود و با اکثر شعرای دربار سخصاً آشنائی داشت لذا اطلاعاتی

که وی راجع شعرای معاصر خود در این تذکره آورده است حیلی مهم و با ارزش و مورد

اعتماد و اعتبار است

۲- قسمت آخر این تذکره مشتملست بر وقایع تاریخی عهد ناصر و همایون و

۱ کسر ناساهاں تیموری هند در این قسمت و فایعی که مر بوط بعهد اکبر شاه است
حیلی اهمیت و ارزش دارد چون اکثر این وقایع را مؤلف با جسم خود دیده یا از مستقیمین
معتبر و موثق آن عهد تسیده بود

۳- هیچ کتاب دیگر با اندازه بنامیس المآثر شرح حال شعرای زمان اکبر شاه را
نیاورده است ملا عبدالقادر دناوی قسم شعرای عهد اکبری را در جلد سوم «منتخب
التواریخ» از همین تذکره نقل کرده است^۱ و معینده مستشرقین تاریخ مر نور معدن
اطلاعاتی است درباره شعرا و مساهر عهد اکبری

۴- مؤلف در این کتاب اشعار و شرح حال اکثر اشخاص را از طبقات مختلف مردم
از قبیل سلاطین و امرا و فضلا و شعرا که در عهد ناپرساه تا عهد اکبر شاه فارسی شعر
میسریدند در این کتاب نقل کرده است

۵- صماً این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای عهد محمد نادر سعید و سعید مسلمان
و خسرو و ظهیر فاریابی و حامی و غیره را بردارد بعضی از آنها را میماند در این تذکره
ذکر نموده است ولی در مورد بعضی دیگر نتایج تحقیق خود را در این کتاب شرح داده
است

۶- برای ادراک دوی ادبی و علمی خاندان تیموری هند و امرای دربار آنها
از زمان نادر تا زمان اکبر هیچ مأخذی بهتر و مفصل تر از این کتاب وجود ندارد

۷- در مورد شعرای متقدم غیر از تذکره های دولتماهی و علی سیروائی و غیره
از کتب تاریخ و جغرافیای بی استفاده نموده است و در ذیل شرح حال شعرا گاهی اطلاعات
معینده جغرافیائی نیز بهم رسانیده است

۱- دناوی در ح ۳ «منتخب التواریخ» در قسمت شرا عنوان زیر را آورده است: «ذکر
شعرای عصر اکبر شاهی در بنامیس المآثر مذکور اند که مأخذ این بحاله است و مشهوره تذکره
میر علاء الدوله است» ولی بسیاری از این شعرا را اشپرنگر در فهرست اسامی این تذکره
در ذیل بنامیس المآثر ذکر نکرده است و از این معلوم میشود که نسخه دناوی موخر تر یا مفصل تر
از نسخه اشپرنگر بوده است

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و آثار سیصد و پنجاه شاعر بترتیب الفبائی از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها اکثر این شعرا در زمان اکبرساز در هندوستان میریسته اند.

چنانکه مؤلف دیباچه در این کتاب توضیح داده است اسم آن «نعمایس المآثر» سال تألیف آن (۹۸۳هـ) را میسراند ولی از قطعه ای که در آخر کتاب آورده است معلوم میشود که سال ۹۷۳هـ سال آغار تألیف این تذکره و سال ۹۷۹هـ که آن قطعه منضم آن تاریخ میباشد سال اتمام این کتاب است او مر عمارت «تحت علی بدیهه» = ۹۷۹ بطور تاریخ اتمام این کتاب ذکر نموده است

علاوه بر این مؤلف در همین کتاب بعضی مطالب را آورده است که سال ۹۷۹هـ تعلق دارد همچنین قسمت تاریخی این کتاب در سال ۹۸۲ تمام می شود و در گرد آورنده فهرست مورخ برینا بیا عمیده دارد هم در سال اتمام این تذکره است اما در متن این کتاب بعضی شواهدی وجود دارد که از آن میتوان استنتاج نمود که با وجود اینکه تألیف اصل این کتاب سال ۹۸۲هـ تمام شده بود ولی مؤلف تا سال ۹۹۸هـ در این کتاب اضافه نموده است چنانکه از وقایع زیر که در این کتاب ذکر شده است معلوم و ظاهر میگردد

(۱) در سنه ۹۹۸هـ عتایی در قلعه گوالیار زندانی شد

(۲) در محرم ۹۹۸هـ سید علی عسکری یکی از حواریان در ناساعی فوت کرد

سجده حضی این تذکره که در علیگره موجود است مشتمل بر قسمت های زیر میباشد

(۱) مطلع که حاوی مطالب زیر است

الف - حمد و تعریف

ب - تحت مفصل در باره فدایت سعرو فصیلت آن به شرف

ج - سب تألیف کتاب

د - تعریف اکبرساز

۱- ر ك اومر من ۳ش ۳

۲- ر ك ريو ح ۲ص ۱۰۲۲ب

۵- بحب در باره اصناف سخن

(۲) احوال شعرا- در این قسمت شرح حال و آثار شعرای معاصر و قریب العهد

و بعضی بعید العهد را آورده است و در ردیل اکثر شعرا در ضمن شرح حالشان اشاره با آثار و اسعار و اطلاعات جغرافی و تاریخی در مورد وطن و زمان نشان کرده است.

(۳) مضامین- این قسمت مشتمل بر وقایع تاریخی است بر ترتیب زیر

الف- شرح حال ناصر شاه (۱۲۹۹-۱۲۹۷ هـ) و اسعار مستحب وی و وقایع تاریخی عهد او

ب- « مایون سام (۱۲۶۶-۱۲۶۳ هـ) « « « «

ج- « اکبر شاه (۱۲۶۳-۱۲۶۴ هـ) « « « «

مؤلف در قسمت آخر این کتابد کبری از حواصد گان معروف درباری نیز آورده است

اما نسخه مویح (۱) شامل قسمت های زیر میباشد

۱- مطلع- مشتمل بر دو مصرع بدین ترتیب

مصرع اول «در کیفیات صدور شعر»

مصرع دوم «در تعریف و تقسیم شعر»

۲- شرح حال و اشعار بهرین ۳۵۰ شاعر مخصوصاً از قرن دهم هجری در ترتیب الفبا

در بیست و هشت «نیت» (هر دینی مخصوص برای يك حرف العیائی)

۳- يك قطعه راجع بتاریخ گجرات از ۹۸۰ تا ۹۸۵ هـ

۴- مقطع که مشتمل است بر تاریخ عهد نادر و همایون و اکبر در سه «مطلب»^۲

این تذکره (قسمت شعرا) با «آسوب نظری» شروع شده با «یوسفی در سادادی

(بصر آبادی) تمام میشود

تلا، الدوله طبعاً آدم سحت گیری نوره است و در این کتاب سعی نموده است

در گمدهای هیچکس ایرادی نگردد و برروس هیچکس اعتقادی نکند و بهمین علت

۱- رك فهرست کتابخانه مویح ص ۳ ش ۲

۲- باید ادعان کرد که «مطلع و مصرع و بیت و قطعه و مقطع و مطالب» هر يك در این

تذکره بمعنی قسمت و باب است نه معنی اصطلاحی آن و اسم گذاری ادواب کتاب بدین طریق

و طرز متکرانه و شاعرانه، بمطورتسهیل در تعریقی ادواب و تقسیم کتاب بوده است

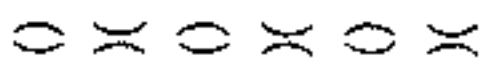
نداوینی بر طرز روش وی انتقاد کرده است^۱

سجح خطی

- ۱- کتابخانه دانشگاه علیگره (دخیره سبحان الله) - نسخه کاملی است مورخ ۱۰ ربيع الاول سنه ۱۰۸۵ هـ. بعضی اوراق آن کرم خورده و آب رسیده است
- ۲- کتابخانه رامپور - نسخه ناقص الاخر اسولی قسمت تاریخی آن کامل است و مانند نسخه موره بریتانیا است
- ۳- موره بریتانیا - این نسخه که مورخ فریب ۱۸۶۰ م است تنها ۹۵ برگ این کتاب دارد که مشتمل بر مقدمه و فهرست مصامین و حاتمیه و قسمت تاریخی تا حمادی - الثاني ۹۸۶ هـ از عهد اکبر شاه و شرح حال نامربوط و بریشان بعضی شعر است (رجوع شود به ریوح ص ۳ ص ۱۰۲۲ الف)
- ۴- فهرست سجح خطی از پاکستان سرقی - نسخه ای ناقص دارد که ظاهر آدر سنه نورد هم استنساخ شده است
- ۵- او مر فهرست کتابخانه موبیح ۳۳۵ برگ و صفحه ای ۱۷ سطر دارد مورخ ۹۸۹ هـ (رجوع شود به او مر فهرست موبیح ص ۳ س ۳)
- ۶- کتابخانه دانشگاه لاهور - دخیره مرحوم پروفیسور سراج الدین آدر - بعضی اقتباسات از این نسخه پروفیسور محمد سعید در اورینتل کالج مگرین لاهور چاپ کرده است
- ۷- کتابخانه موتی محل لکھنو - نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شاهی اود بود و اشیرنگر شرح آرا در فهرست خود آورده است (رجوع شود به اشیرنگر ص ۱۰)

۸- راس - تراوس ص ۲۴۷ (۲) مورخ فریب ۱۸۶۲ م

۹- رها تسک ص ۱۶۹ ش ۱۴۷



مجمع الفضلا

ابتدا

« سپاس بی‌عیب و ستایش بی‌بهایت آفریدگاری را حل حلاله و عم‌بواله که از کمالات موجودات در دریای وجود شخصی انسانی سفینه‌پرده‌یبه پرداخته »

شرح حال مؤلف *

مؤلف این‌تذکره محمد عارف بقائمی^۱ است. وی بهول خودش در بحارا ندیا آمد و ارشادگردان ملامشقی بحارائی^۲ بود ومدتی در ماوراءالنهر در ملازمت سلاطین از نکیه سر برد^۳ وی سال ۵۹۷۹ هـ وارد هندوستان گردید و چندی در ولایت اوریسه و بنگاله گذرانید پس مدار الحلافه آگره رفته آنجا تذکره خود بنام « عارف الاثار » را تألیف کرد و بعد از آن بدکن روی آورد و آنجا در خدمت عبدالرحیم حاجانان سر برد ومدتی باملك قمی بود. وی ما « انشاء و شعر و حطه » آشنائی داشت و در رمان اقامت خود در دکن مشوی « گلشن اشعار » را نورن شاهنامه در مدح عبدالرحیم حاجانان سر برده است^۴

سپس بقائمی بگجرات رفت و آنجا بامیر نظام‌الدین احمد^۵ (مؤلف طمقات اکبری) سر برد وی در اول مشعولی تحصیل میکرد ولی به پیشنهاد میررای مر نور تحصیل بقائمی را اختیار کرد

- ۱- مؤلف مآثر رحیمی « حواحه عارف بقائمی » نوشته است رجوع شود به مآثر رحیمی جلد سوم حاتمیه - قسم دوم در احوال شعرا ش ۹۵.
- ۲- برای شرح حال مشقی بحاری رجوع شود به « مجمع الفضلاء » شاعر اول در فرقه سوم
- ۳- بقائمی این اطلاعات راجع بریدگانی خود را بروایت مؤلف مآثر رحیمی در تذکره « عارف الاثار » ذکر نموده است.

۴- ر ك مآثر رحیمی ج ۳ قسم دوم ش ۹۵

۵- برای شرح حال نظام‌الدین احمد ر ك به مآثر الامراء جلد ۱ صفحه ۶۶۰-۶۶۴

نقائی در زمان تألیف منتخب التواریخ دداوینی ملازم حاجان را ترک گفته به آگره رفت^۱ این واقعه ظاهراً قبل از تألیف «مجمع العیال» صورت گرفته است خون از قرائن معلوم میسود که وی در موقع تألیف این کتاب به خدمت حاجان مربوط بوده است^۲

بعینه احوال زندگی نقائی بدست بیامد و معلوم نیست که وی در چه سالی فوت کرده است^۳ اما وی تا تألیف مآثر رحیمی (۱۰۲۵هـ) در فید حیات بوده بنابراین ذکر او در آن تاریخ در حلد سوم حایمه آمده است

تصره بر این کتاب

مؤلف چنانکه خودس در مقدمه توضیح داده است تألیف این کتاب را در ۹۹۶هـ در اندگان (اندجان) آغاز و در سه ۱۰۰۰هـ در وصیه ورسر نور^۴ پایان رسانیده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه میبوسد «در رمایکه (مؤلف) به شش

۱- ر ك منتخب التواریخ دداوینی ح ۳ ص ۱۹۶

۲- دداوینی در منتخب التواریخ ح ۳ ص ۱۹۶ در پایان شرح حال نقائی اضافه میکند «و اکنون از ملازم حاجان جدا شده میگردید که در آگره آمد و قصه لاهور دارد» منتخب التواریخ در سال ۱۰۰۴هـ بیابان رسیده است اما ظاهراً دداوینی این قسمت شرح حال نقائی را قبل از سال ۱۰۰۰هـ نوشته است چنانکه بسیاری از قسمت های دیگر آن کتاب را نیز قبل از ۱۰۰۰هـ نوشته است

۳- ریدر در حلد ۳ ص ۸۶-۱۰۱ میبوسد که نقائی در زمان حیاتش فوت کرده است

۴- در هندوستان در آن زمان دو محل نام وریپور و حیدر داشت یکی در سرکار باریک آباد در صوبه (استان) بگانه و دیگری در سرکار آگره و صوبه آگره بوده است رجوع شود به آثار اکبری ح ۲ چاپ بولک شور لکنهؤ ص ۵۹ ستون ۲ و ص ۸۶ ستون ۲) اما با احتمال نوی منثور محل احیرالدکراس خون مولف در موقع تألیف این کتاب در آگره بود

اسعار بعضی از فصلا و شعرا توحه میسود ادبای متر که ایشانرا مع احوالات و کیفیات در فلم آورده اسامی آنها که در میان مردم مشهور و در کتب تواریخ مسطور بود اختیار میسود که حمله فاصل روزگار بودند و هر يك در برد خواقین معظم و سلاطین مکرم و امرای عالی هم بر دیک و محترم بودند و بعضی که احوال ایشان ظاهر و عوینا بود از دیده و شنیده مرقوم فی کتب و بعد از جمع کردن آن بحاضر این ضمیر حمیر حان رسید که علی الترتیب به بیاض برده و در تحریر آورد و احوال و کیفیات و لطایف ایشان را گاهی تفصیلاً و گاهی اجمالاً بیان گرداند بنا بر این حرأت نموده بسدی از مسودات بیحاصل و نظری از مرقومات باطل که املائی آن اتمام افتاده بود در تحریر آورد.

مولف این کتاب را نام نوان ابوالفتح سلطان اسعدیاری بن سلطان حسرو بن سلطان یار محمد بن سلطان حانی بیگ^۱ عنوان کرده است^۲

(۱) شرح حال ابوالفتح سلطان اسعدیاری ارضیج مأحدی دست بیامد در شجره نامه امرای سبایی که در «طبقات سلاطین اسلام» تألیف استاملی لیب پول و ترجمه مرحوم عباس اقبال در صفحه ۲۴۴ به نام «حانی بیگ» بر میخوریم اما چنانکه از آن شجره نامه پیدا است وی «سلطان» بوده و پدر او لاد او کسی بنام «یار محمد» بوده است همچنین در دلیل اسامی «شعبه امرای بحارا» در همان کتاب در صفحه ۲۴۳ اسم یار محمد که در ۹۵۷ هـ حلوس کرد و در دلیل اسامی «شعبه امرای سمرقند» اسم حسرو سلطان که در ۹۶۸ هـ حلوس کرد چشم میخورد اما معلوم نیست که اینها با هم چه نسبتی داشته اند در هر حال اسم ابوالفتح سلطان اسعدیاری به در شجره نامه ما و به در فهرست امرای ماوراءالنهر ذکر شده است و تنها اسم يك نمر اسعدیاری که در ۱۰۳۲ هـ حلوس کرده است در فهرست اسامی حانان حیوه سابق الذکر در صفحه ۲۵۰ ذکر شده است که بعلمی چند نمیتواند از اولاد امرای بحارا و سمرقند باشد از جمله اینکه حانان حیوه عالماً با امرای بحارا در جنگ بودند (رجوع شود به طبقات سلاطین اسلام ص ۲۴۹) در هر حال هویت کامل ابوالفتح اسعدیاری مر نور معلوم نشد اما با احتمال قوی وی از امرای اولاد امرای بحارا و نواحی دیگر ماوراءالنهر بوده است چون خود عاری بقائی اصلاً اهل آن نواحی بوده و این تذکره را در ۹۹۶ هـ در داند حان شروع کرده است

۲- مؤلف مآثر رحیمی میویسد «و تصیف دیگر که مجمع الفصلا نام کرده و آن بر منی مر مدح این نامدار است» اما مولف در مقدمه کتاب آنرا صریحاً بنام «سلطان ابوالفتح اسعدیاری» عنوان کرده است

این کتاب مستملست بر مقدمه و سه «فرقه» و خاتمه حاوی ذکر^۱ شاعر
میباشد که ذکر این شعرا در هر فرقه ترتیب زمان آمده است مؤلف در مقدمه بعد از
حمد و نعت و مدح صحابه و حضرت امام حسین مختصراً ذکر فصیحی عرب را آورده
است سپس در سه «فرقه» و خاتمه مطالب زیر را ذکر نموده است

فرقه اول - «در احوال و کیفیات فصلا و شعرا که از ابتدای ظهور استاد رودکی
تا زمان ظهور حامی کوس شاعری رده اند» می‌باشد و بنا «ادوالحسن رودکی» شروع شده
بنا «مولانا محمدودیرسد» تمام می‌شود و مستملست بر ذکر ۱۳۰ شاعر

فرقه دوم - در ذکر احوال شعرای زمان مولانا حامی و فصلا آن روز
گار تا زمان مولانا مشععی و بنا «مولانا نورالدین حامی» شروع شده بنا «مولانا سعدی» تمام
می‌شود و مستملست بر ذکر احوال ۱۲۰ شاعر

فرقه سوم - در ذکر و اوصاف مولوی مشععی و احوال و مقامات اکابر که الیوم
نویسان حرد بریور فصل و بلاغ ایشان آراسته است می‌باشد و بنا «مولانا مشععی»
شروع شده بنا «^۲ تمام می‌شود و مستملست بر ذکر^۳ شاعر

خاتمه - «در ذکر و بیان محابین و دیوانگان جنون آئین و هوال و مسخره‌ها
و اهل حنط و طلبه که سب علیه حماقت و قصور فطرت از فواید علمی بی بهره
مانده اند و مباحثات ایتان و مسعرات نامورون و متظمان ارورن برون و لطایف کور
و کران و دلیاب سیرین و اعلاط عام و امثال آنها»

شرح حال و نمونه اشعار شماری زیر را معصل آورده است **فرقه اول** فردوسی
طوسی و حواجه ابوالعلا گجوی و سعدی سیراری و ساه قاسم ابوار **فرقه دوم** مولانا
حامی (در ۹ ص) و ظهیرالدین محمد ناسر و ناصرالدین محمد هما یون و ساه بیگ جان

۱- نسخه دانشگاه لاهور که مورد استعاده نگارنده این کتاب قرار گرفته است ناقص-

الآخر می‌باشد و یاد ذکر «یحایی» در فرقه سوم تمام می‌شود و ذکر تنها ۱۰ شاعر را دارد

۲- در ک حاشیه افوق

۳- فرقه سوم در نسخه دانشگاه لاهور ذکر ۱۴۰ شاعر را دارد .

وعلیشیر (نوائی) وخواجہ آصفحاهی آصفی و دیوانہ حسامی و نابافغانی و مولاناہاتفی و فخرالدین علی و نوائی و رضائی و مولانا حیدر و اہلی شیرازی و میر مسیاب (۹) و خواجہ ابوالرکب و امیددی تهرانی و ہلالی استرآبادی و خواجہ ایوب و خواجہ ہاشمی و مولانا کوکبی و خواجہ حسن شاہ شاعر و عراقی مشہدی و واصفی و ریر کی و رحیمی و آگہی و شہودی و واصلی فرقہ سوم مشفق و میرزا قاسم (در ۷ صفحہ) و قدسی و نویدی و درویش بہرام و میرزا ابراہیم و اشتر لب و محمد شریف و عالم کابلی و حافظ سلطان علی (در صفحہ ۵) و خواجہ حسن و دیوانہ محنتی و بیرام خان و مولانا رعدی و ملک قمی و سعید حواری و میرزا قاسم و حافظ ابراہیم و محمد رحیم (عبدالرحیم) خان جانان و فیضی و جمعہ آصفحان و شکیمی و نوعی و عرفی و نوائی .

شرح حال فصلا و شعرای زیر را مفصل ولی نمونہ اشعارشان را مختصر آورده

اسب .

فرقہ دوم سلطان حسین بہادر و شاہرادہ ندیع الرمان و فریدون حسین میرزا و محمد مؤمن میرزا و شاہ اسمعیل و خواجہ عبداللہ مر و ارید و امیر حسین و عماد فصل الہ فرقہ سوم مطہر سلطان و میر ندیع و میرزا قاسم ترخان

سک انشای مؤلف سادہ است اما در مقدمہ و در موقع تعریف شعرا گاہی بشر مصوع پرداختہ است و قبل از اسم بعضی شعرا القاب توصیفی آورده است کہ گاہی با اسم یا تحلیص شاعر حساس دارد مانند اوضح العصحا امیر معری و مقبول الملوك نظامی و روحی (عروسی) سمرقندی و فصیح البیان فصیح حرحانی و کبر دو فنون مولانا حبونی و طوطی گلستان شیرین مقالی مولانا ہلالی

سالہارا بالفاظ عربی آورده و گاہی بعضی عبارات عربی را بکار برده است مانند

«وکان ذلک فی سہورسہ دمان و تسعین و تسعمایہ» (عرفی)

نسخہ خطی این تذکرہ

نسخہ منحصر بقرد این تذکرہ در دستگاہ لاهور موجود است . این نسخہ

باقص الآحراست و باد کریمایی در فرقه سوم تمام میشود^۱

نرای شرح حال مؤلف رجوع شود نه آتر رحیمی ج ۳ خاتمه قسم دوم
در احوال شعرا ش ۷۵ و منتخب التواریخ نداوی ج ۳ ص ۱۷۶ و شمع انجمن ص ۸۱ (که
تمام مطالب را از منتخب التواریخ نداوی اقتباس کرده است) و طبقات شاهجهانی و
بلاند ص ۱۶۶ و ریوح ص ۳ ص ۱۰۸۶ ب

فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب ذکر نشده است .

تذکر - اسم این تذکره در فهرست استوری ذکر شده و ویار و خود این کتاب
اطلاع نداشته است

بزم آرای

ابتدا - «شکر و سپاس و ستایش بیعیاس و حد و بیحد و بنای بیعد مرقد و حکیم و
صانع قدیم را که لباس هستی در سر موحدوات بالا و پستی افکنده» .

مؤلف - اسم مؤلف سیدعلی بن محمود الحسینی است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال یکپهار (۱۰۰۰ هـ) بنام مرئی خود عبدالرحیم خان بن
یرم خان تألیف نموده است در خاتمه این کتاب عبارت زیر آمده است
«اتمام و احتتام این مجموعه که مسمی بتذکره الشعراست وقتی اتفاق افتاد که
تاریخ هجری بهرار رسیده بود»

اکثر مطالب این تذکره از لباب الاله اب عوفی عیناً نقل شده است اما چون بعضی
مطالب را مؤلف بدان اضافه نموده است بنا بر این میتوان این را تذکره مستقلی
فلمداد کرد

الته این تذکره غالباً فاقد اهمیت تاریخی است چون در اکثر موارد در ذیل
شرح حال شعرا که غالباً مختصر است سالها را ذکر کرده است و اکثر مطالب را به
موضوع نوشته است

این کتاب مستمل است بر مقدمه و هفت فصل و خاتمه (اما نسخه ریو مقدمه ندارد) .

۱- آقای عبدالجی حبیبی دانشمند فاضل معاصر افغانی نسخه ای از روی این نسخه برای
کتابخانه شخصی خود استنساخ و از روی آن نسخه در جهت دیگر برای استاد سعید نفیسی تهیه کرده اند

در مقدمه مؤلف تنبها تذکره دولت‌شاه و سام میرزا را رد کرده و کرده است و با کمال بی‌انصافی و بی‌شرمی اسم لباب‌الالباب را که اکثر مطالب این کتاب را از آن نقل نموده است اصلاً برده است. وی تعریف جلال‌الدین اکرشده (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) را بعنوان پادشاه صریحاً آورده و این کتاب را نام عبدالرحیم حاجان مرزور عنوان کرده است.

هفت فصل کتاب بدینقرار است

فصل اول - در حسن شعر

فصل دوم - در معنی شعر

فصل سوم - در آغاز شعر .

فصل چهارم - در اول کتبیکه شعر فارسی گفت

فصل پنجم - درد کرملوک و سلاطین که شعر سروده اند از ساسانیان شروع شده

ناملك اختيار الدين شيباني معاصر سلطان سحر تمام میشود

فصل ششم - درد کر و ررا و صدور و اعظم دیگر که شعر میسروده اند

با ابوالقاسم احمد بن الحسن میمندی شروع شده با شیخ ابوسعید ابوالخیر تمام میشود .

فصل هفتم - درد کر شعرا از زمان سامانیان تا زمان سلطان محمود . این

قسمت آخر که قسمت اعظم کتاب را تشکیل میدهد تا اندازه‌ای بترتیب تاریخی است

و با ابوالحسن شهید بلخی و ابوعبدالله بن محمد زودکی و کسائی مروزی و عصری و

فرحی و عسجدی و اطهری و ابوالفتح سنی و اسدی طوسی و فردوسی و غیره شروع شده

باقاسم حجاباری معاصر ساه طهماسب تمام میشود

حاشیه کتاب درد کر سلاطین و امرا و فضلا و شعرائی که در زمان اکر میریسته اند

و بعضی از آنها نامؤلف آشنا بودند می باشد در اوایل این قسمت که عبدالرحیم حاجان و

سلطان ابراهیم بن بهرام صفوی و حان احمد (حاکم) گیلان و در آخر آن دکر مرزی

اصهبائی ردوائی سپرواری و روئی ساوخی آمده است .

در اول این کتاب فهرست اسامی شعرا (در هشت صفحه) آمده است .

سبک اشاء مؤلف مانند سبک عوفی در لباب الالباب مصنوع است چون سیدعلی مؤلف برم آرای اکثر مطالب را از لباب الالباب عوفی عیناً نقل کرده است و بنا بر این تحت بعود سبک عوفی در کتاب مر بور قرار گرفته است .

سخنه خطی

رجوع شود به ریو دیل ش ۱۰۶ ص ۷۳ الف

فهرست اسامی شعرا

در هیچ فهرست یا کتاب دیگر نیامده است .

هفت اقلیم

ابتدا

حرد هر کجا گنجی آرد پدید

بنام خدا سارد آرا کلید

حمد مر حدایرا حل حلاله که عند لیسربان در قفس دهان بد کرا و رطب اللسان

است و طوطی بیان در شکرستان شکر او سیرین زمان

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف امین بن احمد رازی است . وی در شهر ری متولد شد^۱ پدرش

حواجه میرزا احمد که از بدمای شاه طهماسب بود مدتی کلانتر شهر ری بوده و حواجه

محمدشیرازی (موفی ۹۸۴ هـ) وزیر که (سرتیب) حاکم حراسان ویرد و اصفهان

بوده عموی امین بود و اعتمادالدوله عیاش بیگ بن محمد شریف پدر نور جهان بیگم که

در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بر مرآت عالی فائز و وزیر جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ)

بود عموراده او بود . امین احمد رازی در موقع تألیف « هفت اقلیم »

(۱) - مؤلف میگوید « شهر ری که مولد و منشای این فقیر است ، ر ک . هفت اقلیم

در هندوستان سکوت داشت^۱

بقیه شرح حال مؤلف بدست برسد .

تصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۰۰۲ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که در دیباچه کتاب آورده است میرساند :

این سسخه که هست همچو فردوس نگو

تا مو بشوی در او نه شکمی مو

گر ار تو سوال تاریخ کند

تصنیف امیر احمد رازی گو

اما چنانکه اته در فهرست ابدا یا آفس تذکر داده است مولف در فهرست اسامی سلاطین عثمانی اسم محمد ثالث را بیرون کرده است که شان میدهد که قسمتی از این کتاب بعد از سال ۱۰۰۲ هـ تألیف شده است ولی در هر حال بیان پروفیسور (براون) منی بر اینکه سال تألیف این کتاب ۱۰۲۸ هـ است^۲ صحیح نیست

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد سبب تألیف کتاب چنین توضیح داده است :

«مؤلف همیشه اوقات خود را در تحقیق احوال ارباب و اخبار اخیار مصر و میبیداشت و اشعه ابوار عواید ایشان (را) اعتراف و اقتباس می نمود تا آخر بنا بر وفور خواهش خود و اشاره بعضی دوستان خاطر بدان قرار گرفت که تذکره (ای) جمع سازد از نظم و نثر تا زمان حال . و بعد از شش سال که لیل و بهار بدان مواطنت نموده شد کتابی بحصول پیوست مملو از اشعار و حکایات و آثاره .

مؤلف اسم مأخذ را در دیباچه یا حاتمه کتاب نیاورده است اما در دیل شرح حال

۱ - در همت اقلیم بعضی بیانات و اشاراتی ماکر شاه و شعرای دربار او آمده است

که حاکی از این است که مولف در موقع تألیف این کتاب در هندوستان اقامت داشته است مثلاً در دیل نام طارق ساوحی میبوسد که او در حدود پانزده سال در ملایم این درگاه بوده است

(مرای طارق ساوحی ر . ك . بنداوی ح ۳ ص ۲۳۳)

۲ - ر . ك . تاریخ ادبیات براون ح ۴ ص ۴۴۸

کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده

- مجمع الاساب (رجوع شود به دیباچه).
- درهنت القلوب (رجوع شود به ابرقوه و کرمان و غیره).
- عجایب البلدان (رجوع شود به بغداد و لاهور و غیره).
- لب التواریخ (رجوع شود به بغداد).
- تذکره الاولیا (ای عطار) (رجوع شود به معروف کرخی و حنید و غیره).
- تاریخ اعصم کوفی (رجوع شود به کوفه).
- معجم الاس (رجوع شود به سیح ابوبکر کنایی و غیره).
- طبقات محمودشاهی (رجوع شود به ابویوسف بن ابراهیم و غیره).
- مناظره الاسان (رجوع شود به ابویوسف یعقوب بن ابراهیم و غیره).
- تاریخ بنا کتی (رجوع شود به دارا بجرد).
- تاریخ العی (رجوع شود به مصر و غیره).
- عجایب مخلوقات (رجوع شود به پابل و لاهور و غیره).
- تاریخ جهان آرا (رجوع شود به لار).
- غرایب الاسرار (رجوع شود به مصر).
- جامع التواریخ (رجوع شود به ترکمکیان تصد بلخ).
- تاریخ گریده (رجوع شود به کرمان و قزوین و غیره).
- چهار معاله (رجوع شود به عنطری و فردوسی و غیره).
- طهر نامه تألیف شریف الدین علی پردی (رجوع شود به کشمیر و غیره).
- تاریخ میرزا حیدر (رجوع شود به کشمیر).
- حسیب السیر (رجوع شود به عماد فیه و مصر و بلخ و غیره).
- حواهر الاسرار تألیف سیخ آدری (رجوع شود به فلکنی و عماد فیه و غیره).
- تاریخ مبارکشاهی (رجوع شود به قندهار و قزوین و غیره).
- تذکره عوفی (رجوع شود به عثمان بن محمد محبازی و تاج الکتاب

و غیره) .

- ۲۴ - طبقات اکبری (رجوع شونده آنگره)
 ۲۵ - رساله در عجایب و غرایب هند تألیف میر محمد یوسف (رجوع شونده کالیپی)
 ۲۶ - اسباب العجایب (رجوع شود به مصر)
 ۲۷ - بهارستان (حامی) (رجوع شونده عبدالواسع حبلی)
 ۲۸ - آثار البلاد (رجوع شونده مصروقم و همدان)
 ۲۹ - تاریخ قدیم هرات (رجوع شود به هرات)
 ۳۰ - تاریخ هرات (رجوع شود به خواج)
 ۳۱ - بهایت الادراک (رجوع شونده قسطنطنیه)
 ۳۲ - تاریخ رشیدی (رجوع شود به حتر)
 ۳۳ - طبقات فقها (رجوع شود به محمد بن علی بن اسمعیل القفال)
 ۳۴ - تاریخ یافعی (رجوع شود به ابن المصمغ)
 ۳۵ - تذکره دولت شاه (رجوع شود به شیخ آدری)
 ۳۶ - جامع رشیدی (رجوع شود به حواحه نصیر الدین طوسی) .
 ۳۷ - مجالس العائس (رجوع شود به درویش دهکی)
 ۳۸ - نظام التواریخ (رجوع شود به خاقانی)
 ۳۹ - روضة الصفا (رجوع شود به بیلمان و سمرقند) .

این کتاب مشتمل است بر مطالب جغرافی و تاریخی و در ردیل بلاد مختلف مؤلف
 دگر هر اروپا بصد و شصت تن^۱ از سغرا و عرفا و فضلا و امر او ملوکی را که شعر سروده اند
 آورده

طبق عقیده قدیم مؤلف هم «ربع مسکونی» را در همت اقلیم قسمت کرده و
 اطلاعات فوق را تحت همت اقلیم آورده است بدین قرار
 اقلیم اول - شامل دگریم و بلاد الریح و یونیه و چین

۱ - رک فهرست اندیا آفس ح ۱ تن ۷۲۴ که آنجا فهرست اسامی این ۱۵۲۰ تن دگر

اقلیم دوم - درد کرمکه و مدینه و یمامه و هر مرو دکن (اینجامؤلف تاریخ سلاطین دکن را از قدیم تا سال ۹۹۹ هـ آورده است) و احمدنگرو دولت آباد و گولکنده و احمدآباد و سورت و سنگال و اریسه و کوچ

اقلیم سوم - درد کر عراق و بعداد و کوفه و نجف و غیره و نصره و یرد و فارس و سیستان و قندرها و غریب و لاهور و دهلی (اینجا مؤلف تاریخ هندوستان از قدیم تا زمان اکرود کر فصلائی دهلی را آورده است) و سوریه و مصر

اقلیم چهارم - حراسان و بلخ و هرات و حام و مشهد و پیشانور و سروار و اسفرا این و غیره و اصفهان و کاشان و قم و ساوه و همدان و ری و تهران و دماوند و آسترآناد و طبرستان و مازندران و گیلان و قزوین و آذربایجان و تبریز و اردبیل و مراغه .

اقلیم پنجم - شروان و گنجه و حواریم و ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا و فرعه .

اقلیم ششم - ترکستان و فاراب و یارکند و غیره و روسیه و قسطنطنیه و روم .

اقلیم هفتم - بلخار و سغلاب و یاخوج و ماخوج .

گاهی راجع به بلاد و کشورهای مختلف بعضی اطلاعات حالت و معینی را آورده است مثلاً در ردیل کالی « انواع میوه های هندوستان و بعضی عجایب آنجا » را مخصوصاً درباره حوگیان (درویشان هندو) شرح داده است

گاهی در ردیل نام بعضی شعرا و فضلائم و نمونه هایی شریف از آنها نقل کرده است مثلاً رجوع شود به عیندراکابی

مؤلف اکثر سعی کرده است شرمصوع بنویسد چه در مقدمه کتاب و چه در ردیل شرح حال شعرا و حتی گاهی شوشن شرمسجع نیز پرداخته است

گاهی بعضی کلمات توصیفی را هم فایده با اسم یا تحلیص شاعر آورده است

مانند

« سید و الفقار شاعر یا کیره روزگار بیکو گعمار بود » .

همچنین در بعضی القاب و کلمات توصیفی بر عایب اسم یا تحلیص شاعر حنا س آورده

اسم مثلاً

فصولی «در فصل و دانش بر بسیاری از همگان فایق بوده و در فهم و در کار اقران سابق»

مولانا شرف‌الدین علی . «در عصر خود اشرف و ضلای ایران و الطف علمای دوران بوده»

اصحح الدین فلکی «فلک‌جهان بلاغت و قمر آسمان فصاحت بوده» .
در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصوع در معنی «فوت شد» آورده است
مثلاً .

در ذیل مولانا احمد مینویسد «تا معمار قصا ابواب رید گایش را (به) بلاد
احل بر آورد»

سالها را همه جا با الفاظ عربی آورده‌اس .

رویه‌مرفته این کتاب به تنها در حیث جغرافی و تاریخ بلکه در حیث تدکره شعرا
و فضلا دارای اهمیت و ارزش زیاد میباشد و مخصوصاً برای شعرای زمان کبر شاه این
کتاب حر و منابع اصیل میباشد . .

نسخ خطی

۱ - قاهره ۵۰۹ - کتابخانه حدیویه مصر ص ۱۰-۵۰۹ دارای ۳۱۸ برگ
صفحه‌ای ۲۳ سطر مورخ دو الحجه ۱۰۵۲ هـ

۲ - ادبیات تهران ش ۴ - (از آغار تا اقلیم ششم) و ش ۵۲ - ب (مورخ ۵ صفر
۱۲۵۱ هـ) و ش ۱/۳ - ح (مورخ ۲۲ دی ۱۳۱۹ ش/ ۱۵ دو القعد ۱۳۵۹ - جلد اول از آغار تا سید
محمد دارای ۵۹۵ ص) و ش ۲/۳ - ح (همان نسخه - جلد دوم تا پایان کتاب ارض ۵۹۶ تا
ص ۱۱۲۸)

۳ - مرگری تهران - ش ۲۷۵۶ مورخ ۱۱۳۹ هـ

۴ - ملک تهران - ش ۴۳۱۳ مورخ ۱۰۳۰ هـ

۵ - H.Kh. (ح-ح) ح ۶ ص ۵۰۱ ش ۱۴۴۱۱

۶ - سپه سالار ح ۲ ص ۴۸۵ ش ۱۱۲۳ مورخ ۱۰۲۵ و ش ۱۱۲۴ مورخ ۱۰۲۱ هـ و

۱۱۲۵ (اوایل قرن ۱۱ هـ - چند برگه از آن افتاده است) .

۷- بادلین ۴۱۶ (مورخ ۱۰۳۹ هـ) ش ۴۱۷ (مورخ ۱۰۷۵ هـ) و ش ۴۱۸ (مورخ ۱۱۹۹ هـ)

و ۴۱۹ (تنها اقلیم ۳ و ۵ بدون تاریخ) ۴۲۰ (تنها اقلیم ۴ بدون تاریخ) سح فارسی- ۲۴ (C)
(مورخ ۱۰۵۲ هـ)

۸- ا کسورد ۲۰ (ناقص- بدون تاریخ) .

۹- لینگراد ۱۱۳۴ (مورخ ۱۰۶۶ هـ) و ۱۱۵۴ هـ .

۱۰- بلوشه ۶۴۲ مورخ ۱۰۶۸ هـ و ۶۴۳ مورخ ۱۰۹۴ هـ

۱۱- بانکی پورح ۷ ش ۶۳۶ (قرن ۱۷ م)

۱۲- ریوح ۱ ص ۳۲۵ ب (قرن ۱۷ م) ص ۳۳۶ ب (۱۵۰۹ هـ) ص ۳۳۷ الف (قرن ۱۷ م)

۳۳۷ ب (دوسوم اول کتاب - قرن ۱۷ م) ح ۳ ص ۹۷۰ الف (۱۲۶۱ هـ) دیل ش ۱۳۸
(قرن ۱۷ م)

۱۳- آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۹۰ (قرن ۱۷ م) ح ۱ ص ۲۳۲ ش ۴۶۵

۱۴- لندزیانا ص ۱۱۳ ش ۷۱۲ (اوراق مریشان - در حدود ۱۷۵۰ م)

۱۵- ایوانو ۲۸۲ (۱۱۶۶ هـ) ۲۸۳ (۱۸۷۱ م) ایوانو- کرر ۸۰۶ (قرن ۱۹ م)

۱۶- مجلس ۴۵۶ (۱۲۷۳ هـ) ۱۷ بوهار ۱۰۰ (قرن ۱۷ م) .

۱۸- داسگاه نمشی ۳۶ (قسمی از کتاب شامل شعرای ش ۹۸۵-۱۵۵۸ رجوع
شوده است) .

۱۹- براون سح فارسی ۱۱۰ .

۲۰- براون دحیره (K) ش ۵ (۱۳) (= هوتم شنیدلر ش ۳۹)

K س ۴ (= اندیا آفس ش ۴۵۴۱- رجوع شوده ۲۱ ریر) .

۲۱- اندیا آفس ۴۵۴۱ (۱۰۰۶ یا ۱۱۰۷ هـ)

۲۲- آتن ۵۶ (نا تمام)

۱- این سحه در بهرستانه ذکر شده است و ك استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دیل

۲۳- کپورتبلا ش ۴۹ (رجوع شود به OCM ح ۳ ش ۴ اوت ۱۹۲۷ م)

۲۴- دانشگاه لاهور- دوسجده (رجوع شود به OCM ج ۳ ش ۱ نوامبر ۱۹۲۶ م

ص ۶۸)

۲۵- اته ش ۷۲۴ و ۸۳۵ (۱۰۸۹ هـ) و ش ۷۲۶ (باقص الاول- از اقلیم سوم تا آخر

۱۰۹۳ م)

چاپ

۱- جلد اول کلکته ۱۹۱۸۱ م و جلد دوم ۱۹۲۷۲ م و جلد سوم ۱۹۳۹۳ م

(تا پرتوی شیرازی ش ۲۶۰ رجوع شود به فهرست اسامی اته)

۲- تهران کتاب روشی ادبیه ناصر خسرو - ۱۳۴۰ ش (چاپ پر از اغلاطی

۳- کلکته- باهتمام کتر اسحق در ۵۰۰ صفحه در دست چاپست .

انتخاب

انتخاب هفت اقلیم - فیض الله همت انصاری حو پوری بنام وحیده الدین علی خان

مبادر (رجوع شود به اته ش ۷۲۷)

همچنین بعضی ها اقتباسات و ترجمه آن را در اوقات مختلف در اروپا و غیره

در مابهای فرانسه و آلمانی و انگلیسی چاپ کرده اند - (رجوع شود به استوری ح ۱

ص ۷۱-۱۱۷۰)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به هفت اقلیم و استوری ح ۱ ص ۱۱۷۰-

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به فهرست اندیا آفس ح ۱ ش ۷۲۴ ص ۴۹۹-۳۸۱ (کل ۱۵۶۰ شعر

شاعر و غیره)

خلاصه الاشعار وز بده الافكار

ابتداء

« حواهر حمد و ثنای که مفرح قلوب اصحاب دین و معتاح صدور ارباب عشق متین تواند بود سراوار جمیلیست که تحلیات صفات خود را در آینه اسبابی بحکم اناله خلق الانسان علی صورته طاهر گردا بید» .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب تقی الدین محمد و تحلیص اود کری اسبوا و معروف به تقی کاشی بوده. اسم پدرش شرف الدین علی الحسینی^۱ الکاشانی است مؤلف در کاشان در ۹۵۶ هـ بدینا آمد وی از شاگردان محبوب محتشم کاشی بوده چنانکه در زمان بیماری خود در ۹۹۶ هـ که مضر مرگ محتشم شد وی را این شاگرد حواش کرد که دیوان اشعار او را جمع و تدوین کند و کری چنین کرد و مقدمه‌های بر آن دیوان افزود^۲ مؤلف اکثر اوقات زندگی خود را در ایران در کاشان بسر برده اما در آخر عمر به ندرفته در سال ۱۰۱۶ هـ تدکره خود را با ام ابراهیم عادلشاه ثانی سلطان بیجاپور (۹۸۸-۱۰۳۷ هـ)^۳ عنوان و تقدیم نمود . مؤلف صحف ابراهیم « در دلیل نام تقی الدین محمد کاشانی دگری تحلیص» مینویسد «اگرچه برخی اشعار خودش را نیز در آخر تدکره انصمام نمود اما در نظر دریافت قدر نظم را ندارد و هر چند تعیش نگار رف تدکره نویسان که مؤخر از زمان او بوده اند نام و اشعار او را در مجموعه‌های خود دگر نکرده اند» .

تصره کتاب

مؤلف این کتاب را اول در چهار جلد در سه ۹۸۵ هـ تألیف کرد سپس در ۹۹۳ هـ جلد پنجم بآن اضافه نمود چنانکه قطعه زیر میرساند .

۱- از روی نسخه برلین الحسینی، (ر.ک برلین تن ۶۴۷ ص ۶۱۰)

۲- نسخه‌ای از این دیوان با مقدمه دگری در موزه بریتانیا موجود است (ر.ک ریو ح ۲ ص

۶۵۵)

۳- در فهرست برلین ۹۵۷-۱۳۶ هـ و در استوری ۹۸۷-۱۰۳۵ هـ دگر شده است اما در کلام الملوك، تدکره سلاطین دکن چاپ هند ۱۳۵۷ هـ باهتنام میرسعادت علی رسوی سال جلوس ابراهیم عادلشاه ثانی ۹۸۸ هـ و تاریخ وفات وی محرم ۱۰۳۷ هـ دگر شده است و همین صحیح است.

چون پنج کتاب تقی تدکره سنح در مخزن جلدحا گرفتند چو گنج
 تاهریک را درست باشد تاریخ بر پنج کتاب تقی افرودم پنج
 (= ۹۹۳هـ)

سپس مؤلف باوقات مختلفی ناین کتاب مطالسی را اضافه مینمود تا اینکه در ۱۰۱۶هـ
 از تألیف آن بکلی فراعت حاصل نمود و بعد از آن طاهرأ هیچوقت ناین کتاب اضافه ای
 نکرد بیترتیب تاریخ اتمام جلد آخر این کتاب را میرساند
 تاریخ نگار آن سب گفت شدست مجلدات لارم = (۱۰۱۶هـ)

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی بعد از
 مدتی مدید خلاصه ای از اشعار اکثر شعرای متقدم و متأخر را ترتیب نموده و اردیوان
 آنها انتخاب ردو شرح عشق آنها را بیان کرده و اوراق این مجموعه را باغر احادیث و
 روایات بیاراست بالآخر در اوایل سه ۹۹۶هـ این سبچه صورت اتمام پذیرف و مؤلف
 آنرا بام پادشاه وقت شاه عباس نررگی صفوی الحسیبی (۹۹۷ - ۳۸هـ) امرین
 ساخت

این تدکره بسیار مفصل است و ارحیث حجم کتاب میتوان آنرا مفصل تر
 از سایر تدکره ها گفت این تدکره مشتملس بر مقدمه و چهار فصل و چهارر کن و دو
 حاتم و یک اصل دیگر و دیل .

در ابتدای مقدمه مدح شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴هـ) را (در ۳ص) و
 در بعضی نسخ (رجوع شود به برلن و نالاند) مدح ابراهیم عادلشاه سلطان بیجاپور (۹۸۸-
 ۱۰۳۷هـ) را آورده است مقدمه کتاب مشتملس بر سب جمع اشعار و موجب انتخاب
 دو اویس سعراى آفاق و التماس عدم اعتراض اربینندگان این اوراق و بیان عشق و محبت
 و شرایط آن در چهار فصل و احتیارات (متحانات) اشعار حضرت علی با ترجمه بشعر و
 شرح آن بفارسی از خود مؤلف (در ۱۶ص) و سپس مؤلف سند شعر گوئی از آیات قرآن
 و احادیث رسول و ابتدای شعر و مختصری در باره تاریخ شعر فارسی را (در ۲ص) آورده

چهار فصل فوق‌الذکر در بیان عشق و محبت بقرار دیل است

فصل اول - در بیان ایجاد عشق و معرفت آنکه عشق از لیب و اس محبت

از حجاب الهی است بحکم مطوق آیه یحبهم و یحبونه

فصل دوم - در تعریف و فضیلت عشق و مدمت کسایکه مذاق را عشق نام

بپاده اند

فصل سوم - در تقسیم عشق بمحار و حقیقت و شرایط محبت^۱ از حجاب محسو

نصیحت جماعتی که منکرند مودت را

فصل چهارم - در شرایط محبت^۲ از طرف محسوس محار و مدمت جماعتی که

معشوق را نداسته اند

پس تحت یك «لاحقه» بحثی در باره نظم و شر و اقسام نظم آورده‌اسم

رکن اول - «و آن مرتسب بر بد کرده سعراى متقدمین از زمان آل سکنکین

از قصیده گویان و بیان حالات عشق ایسان با اسحان دو اوین هر یك در ضمن آن در این

رکن پنجاه فاصل به سده بترتیب تاریخ فوت فاول نم الاول و این دو مجلد است» - مجلد

اول با «ملك الشعراء» استاد عصری «شروع سده» با «سلطان الشعراء» امیر افضل الدین حاقانی «

تمام میشود و مشتملسب بر دکر ۲۲ شاعر و مجلد دوم با «رنده الشعر ا طهیر الدین

فاریابی» شروع سده با «حواحه» افضل الدین کاشانی «تمام میشود و مشتملسب بر دکر ۲۸

شاعر

رکن دوم (= مجلد سوم) - «و آن مشتملسب بر دکر عرل سرایان متقدمین و بعضی

۱- ایضا مولف همت سر طرا بیان کرده است

۲- ایضا مولف چهار سر طرا آورده است

۳- ر.ک. نسخه مجلس ش ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهراده مجید فیروز در نسخه نلابد

اسم شاعر آخر مجلد اول «قوامی گنجوی» است